۱- معلم اقتدار طلب :-

یکعده معلمین برعلاوه داشتن توجه بدرس و شاگرد میخواهد که به شاگردان خود را قدرتمند نشان بدهد و به دو قسم میباشد .

الف - اقتدار طلب مثبت : یک گروه دیگر معلمین هم میباشند که حکمروائی خود را میخواهند ولی شاگردان از آنها آموزش اخلاقی نادرست کسب نمی کنند بلکه در دلهایشان جاگزین گردیده از سلوک او بطور نمونه کار می گیرند و آنها رویه شاگردان را خوب می شناسند ، از زور کار نمیگیرند به درس جدی میباشند و به طریقه جزئیات تدریس می فهمند و به روش خویش همیشه توجه دارد ، همرای شاگردان محبت دارد به هرکس یکنوع احترام قایل است .

ب - اقتدار طلبی منفی :- درین ردیف معلمانی می آیند که همیش تند و تلخ ، قهرآمیز ، تسلط طلب و ترسو باشند که شاگردان همیشه از آنها نفرت دارند .

وی گمان می کند که به صادر کردن احکام خشک و بیان تهی خویش طریقه خوب و عالی را انتخاب کرده است پرگوئی میکند و در صنف یک فضای بیروح را حاکم میسازد .

۲- معلم رفاقت طلب :-

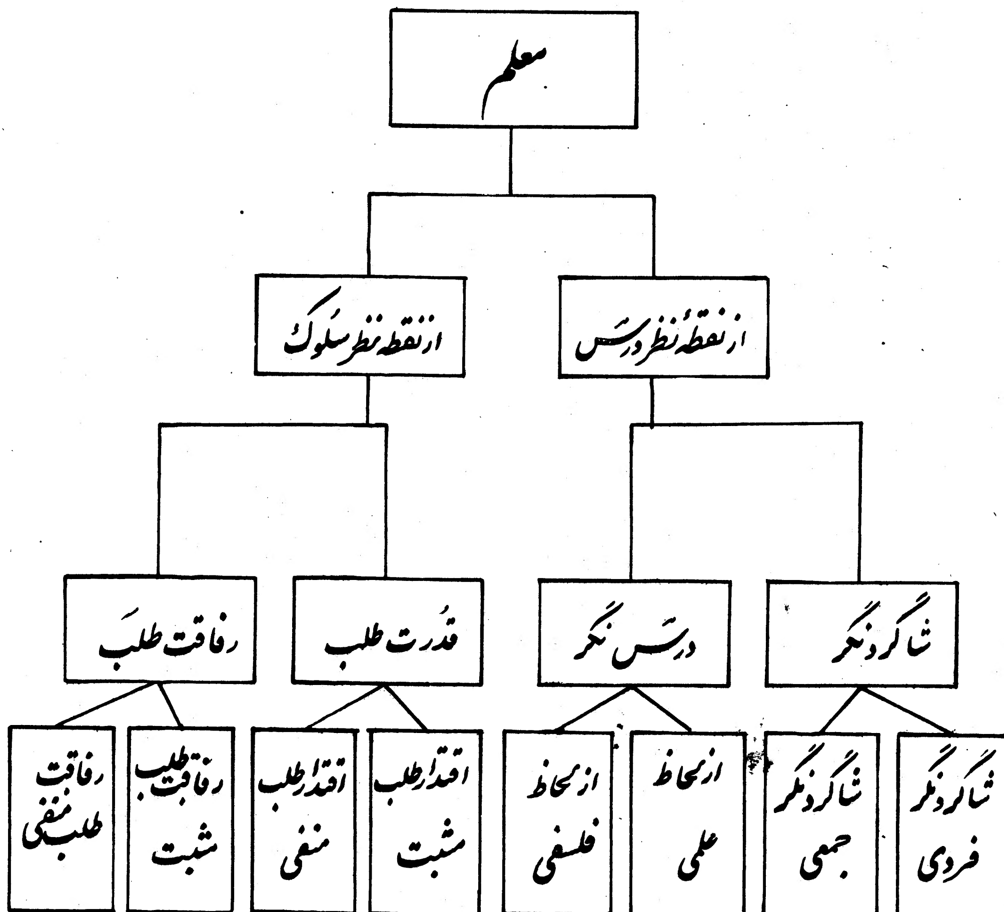
یکتعداد معلمین برخلاف گروه یاد شده اقتدار طلب نمی باشند و کوشش میکنند همرای شاگردان دوستی و رفاقت برقرار نمایند بدو قسم ذیل مطالعه میکنیم :

الف - رفاقت طلبی منفی :- بعضی معلمین چنان هستند که امید موفقیت کسب و کار را در هر جا از دست میدهند و غرض گرفتن انتقام پر از مسؤلیت مدرسه ، درس و شاگردان نسبت نداشتن کفایت ضروری طریقه های نادرست را بکار می برند تا بتوانند زندگی خویش را تامین نمایند .

بطور عموم پیش برندگان این نوع تعلیم و تربیه نمونه اشکار آن زیادتر در مدارس ابتدائی ، متوسطه و گاه گاه در دوره ثانوی دیده می شوند .

این نوع معلمین در کار خویش بدون هدف و در تدریس خود فاقد پلان میباشند . پلان نداشتن و وقت را ضایع نمودن از نشانه های بارز آنها میباشد .

ب ـ معلمین رفاقت طلب مثبت :ـ برخلاف معلمین رفاقت طلب منفی، درین ردیف قرار میگیرند . که خصوصیات نوع درس نگر و شاگرد نگر را دارند . درعین حال این نوع معلمین که رفاقت طلب مثبت هستند این کوشش را هم مینمایند که شاگردان را از راه های نادرست جلوگیری می کنند . در موضوع درس خود بسیار مطالعه می کنند و در مورد روشن کردن موضوع درس روش بسیار خوب دارند در واضح کردن فنون و باریکیهای مطلب می فهمند به شاگردان این فرصت را نمیدهند که از آموزش و سلوک نیک او استفاده نادرست نمایند .



صفات معلم

I - حاکمیت در موضوع تدریس :- معلم آنگاه وظیفه معلمی عهده دار شود که از عهده وظیفه (تدریس) سپرده شده برآمده بتواند، میدانیم که وظیفه معلمی انتقال مفاهیم، مفکوره و معلومات به افراد اجتماع میباشد، که این عمل در موضوع حاکمیت و بلدیت معلم را ایجاب می نماید، زیرا اگر معلم خودش در محتوای یک موضوع معلومات و مهارت کافی نداشته باشد چطور میتواند برای دیگران بطور لازم آنرا انتقال بدهد.

ضروری ترین عملیه تدریس افهام و تفهیم میباشد یعنی به موضوع مورد بحث اول خود را آگاه نمودن و بعداً به دیگران فهماندن، که این حساب ضروریات معلم سه چیز است.

الف : معلومات کافی :-

ب : مهارت های مسلکی

ج : ذهنیت هدفمند .

الف : معلومات در قسمت موضوع مورد بحث عبارت از آشنائی معلم است یعنی اینکه معلم در ارتباط موضوع معلومات کافی، شواهد و مدارک دارد، یا نه ؟ و یا اینکه آیا معلم عملیه افهام را تمام کرده و یا خیر ؟

ب : مهارت تنها جنبه از شخصیت معلم را تشکیل میدهد که آیا معلم میتواند معلومات را بطور صحیح به شاگردان انتقال نماید و یا نه ؟ یعنی اینکه دانش خود را بقسم صحیح تطبیق کرده میتواند و یا خیر ؟ تا اینکه به شاگردان زمینه استفاده بیشتر را مساعد سازد .

ج :- ذهنیت هدفمند برخورد استاد را در قبال وظیفه ، مواد درسی و شاگردان را گوید .

II تعقیب نمودن اهداف تعلیمی :

دانش بصورت عموم ضرورت هر انسان و جامعه میباشد، یعنی اینکه ساختمان اجتماعی تمام ملیت ها با ضرورت و خواهشات آنها یکسان نبوده، بهمین ترتیب نصاب تعلیمی و خواست های شان از همدیگر فرق می کند.

اشخاص مسؤول تعلیم و تربیه هر جامعه نخست نیازمندیها و ضروریات اجتماع خود را وانمود میسازند و بعداً به اساس آن اهداف تعلیمی خویش را تعیین می نمایند. از روی این اهداف پروگرام تعلیمی را درست می کنند. و درجهت تطبیق این پروگرام کوشش نموده تا مشکلات مواجه شده را حل نمایند بعلم باید اهداف مضمون و نصاب تعلیمی خود را فهمیده و آنرا با پابندی تعقیب نماید، واگر معلم به این اصل متوجه نباشد در کارش سکتگی و نواقص بوجود می آید.

پس معلمان باید در جامعه اسلامی افغانستان اهداف ذیل را تعقیب کنند.

۱- در زندگی و سلوک شاگردان تغیرات مثبت اسلامی وارد کردن.

۲- شاگردان را با در نظر داشت نیازمندیهای جامعه اسلامی افغانستان صالح تربیه کردن.

۳- در شاگردان حس محبت به دین، وطن و خدمتگذاری بمردم را پرورش دادن.

٤- شاگردان را بمقررات مکتب و محیط آشنا ساختن.

۵- شاگردان را به نفع خود شان، فامیل شان، اجتماع شان و تمام امت اسلامی تربیه کردن تا باشد در آینده هم برای خود و هم نوعان خود مفید ثابت شده و باردوش دیگران نگردند.

٦- زمینه را برای رشد جسمی، ذهنی، اخلاقی و روحی شاگردان مساعد ساختن.

III - دلسوزی و محبت به شاگردان :

معلم در انتقال مفاهیم تربیتی بمقایسه سایر وسایل میخانیکی (کتاب، اخبار، رادیو، تلویزیون وغیره فرق دارد. انسان از وسایل یاد شده هم تعلیم گرفته میتواند، امافقدان روابطی است که از اثر تماس مستقیم معلم با شاگرد بوجود می آید. چنانچه آیت قرآن کریم بیانگر آنست.

ادع الی سبیل ربك بالحکمه والموعظة الحسنة وجادلهم بالتی هی احسن ط. سوره النحل آیه (۱۳۵)

ترجمه: دعوت کن (ای محمد صلی الله علیه وسلم) مردمانرا بسوی راه پروردگار خویش بدانش و پند نیکو و مناظره کن با ایشان به طریقیکه نیک است.

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم دراین مورد چنین ارشاد می فرمایند: لِيَنُوْلِنُ تُعَلِّمُوْنَ وَلِمَنْ تَتَعَلَّمُوْنَ مِنْهُ.

ترجمه: به اشخاصیکه درس میدهید ویا از آنهائیکه یاد می گیرید نرم و ملائم باشید.

لایومن احدکم حتی یحب لاخیه ما یحب لنفسه حدیث

ترجمه: هیچ یك از شما مومن کامل شده نمیتواند تا چیزیرا که برای خود دوست دارد آنرا برای برادر مسلمان خود نیز دوست داشته باشد.

معلم باید شاگردان خویش را به علم و دانش، کسب و کار علاقمند نماید زیراکه شاگرد برادر خورد معلم میباشد و حتی بجای اولاد معلم نیز محسوب میشود، ازین سبب است که پیوند روحی و معنوی نظر به پیوند های دیگر بهتر و محکمتر میباشد

وقتیکه شاگرد به صنف جهت فراگرفتن درس و آموزش می آید آرزو ها و امید های آینده خویش را در اختیار معلم میگذارد. از همه دوستان برایش معلم دوست نزدیکتر است. پس معلم باید با شاگردان محبت و دلسوزی، رواداری و مهربانی داشته باشد.

IV - ارزیابی خود :-

وظیفه معلم عملیه تودوا مدار افهام و تفهیم است، معلم همیشه ضرورت دارد که خود را بفهماند تا فهماندن دیگران برایش ممکن گردد. موثریت کار خود را می سنجد و در مورد خود نظر شاگردان را معلوم می کند. حالا لازم است که به آنعده معلمان طورکلی نظر بیاندازیم که کم وبیش در موقع تحصیل و وظیفه با آنها روبرو هستیم.

۷- الف - به ارتباط سلوک :-

۱- معلم خوب در پرتو علوم اسلامی از دانش کافی، خصلت نیک، صبر و حوصله مندی برخوردار بوده کبر غرور نداشته، طامع و حریص نمی باشد.

۲- معلم خوب توسط مهر و محبت، دلسوزی و کمک با شاگردان در بین شاگردان و ساکنین محیط محبوبیت پیدا می کند و از نگاه سر و صورت، لباس و نظافت به زیور اسلامی آراسته میباشد.

۳- معلم خوب در امور درسی با شاگردان و در حل مشکلات مکتب با اداره و استادان دیگر تشریک مساعی نموده و در ضمن داشتن علاقه و دلچسپی بمسلک دارای قدرت ابتکار و نوآوری میباشد.

۴- معلم خوب پابند مقررات مکتب و وظیفه بوده، از ضیاع وقت جلوگیری می کند موضوعات مضمون تفویض شده را با حاکمیت تام و مهارتهای لازم تدریس مینماید.

۵- معلم خوب حین داخل شدن در صنف به شاگردان سلام داده احوال پرسی مینماید، با اولیای شاگردان تماس میگیرد و شاگردان خود را بمنظور رضای خداوند (ج)، به مقتضای شریعت اسلامی تربیه می کند.

۶- معلم خوب متدین بوده و دایماً سعی می ورزد که وضو داشته باشد و درس را با گفتن بسم الله الرحمن الرحیم؛ آغاز میکند.

ب - به ارتباط درس :-

۱- معلم خوب با داشتن اهداف مقدس، آمادگی تام، پلان درسی و استفاده از وسایل و مواد مناسب درسی شاگردان خود را به آموزش و مکتب علاقه مند ساخته و در وقت تدریس از حاشیه روی بی مورد خود داری می کند.

۲- معلم خوب شاگردان را به حفظ نظم و دسپلین صنف و مکتب و سهم فعال گرفتن در فعالیتهای درسی تشویق می نماید و آنها را به استعمال مواد درسی عادت میدهد.

۳- معلم خوب طبق سویه و علاقه شاگردان به زبان ساده محلی و آواز مناسب با آنها حرف میزند.

۴- معلم خوب از مشکلات و سویه شاگردان خود را آگاه ساخته و با درنظرداشت اختلافات فردی در تربیه

سالم شان سعی مینماید. بارتباط بخش های مختلف زندگی ایشان راچنان درس حقیقی و درست میدهد که در حیات یومیه برای شان ثمر بوده و در پهلوی تعلیم به جهت تربیوی آنها نیز متوجه میباشد.

۵ - معلم خوب تمام شاگردان خود را فعال نگهداشته و روابط اجتماعی را ارزش میدهد. به هر شاگرد توجه مینماید و از استعمال الفاظ نامطلوب خودداری می کند بخاطر دفاع ماهرانه از دین، ناموس و وطن روحیهٔ جهاد را در نهاد شاگردان پرورش میدهد.

فصل دوم

هدف و پلان

تعریف :- هدف درلغت نشانه، مقصد، مرام و مرجع راگویند و دراصطلاح عبارت ازآن عامل و محرک انگیزه است که انسان را جهت اجرای یک سلسله عملیات منظم وامیدارد. ویا اینکه نتیجه قبلا سنجیده شدهٔ یک کار را گویند ویا به عبارهٔ دیگر سلوک متوقعهٔ قبلاً وضع شده را هدف گویند که قابل حصول، مشاهده کردن و پیمایش باشد.

اقسام هدف ازنگاه ماهیت آن :-

هدف ازنظر ماهیت بدو قسم میباشد : ۱- اهداف مشروع ۲- اهداف غیرمشروع

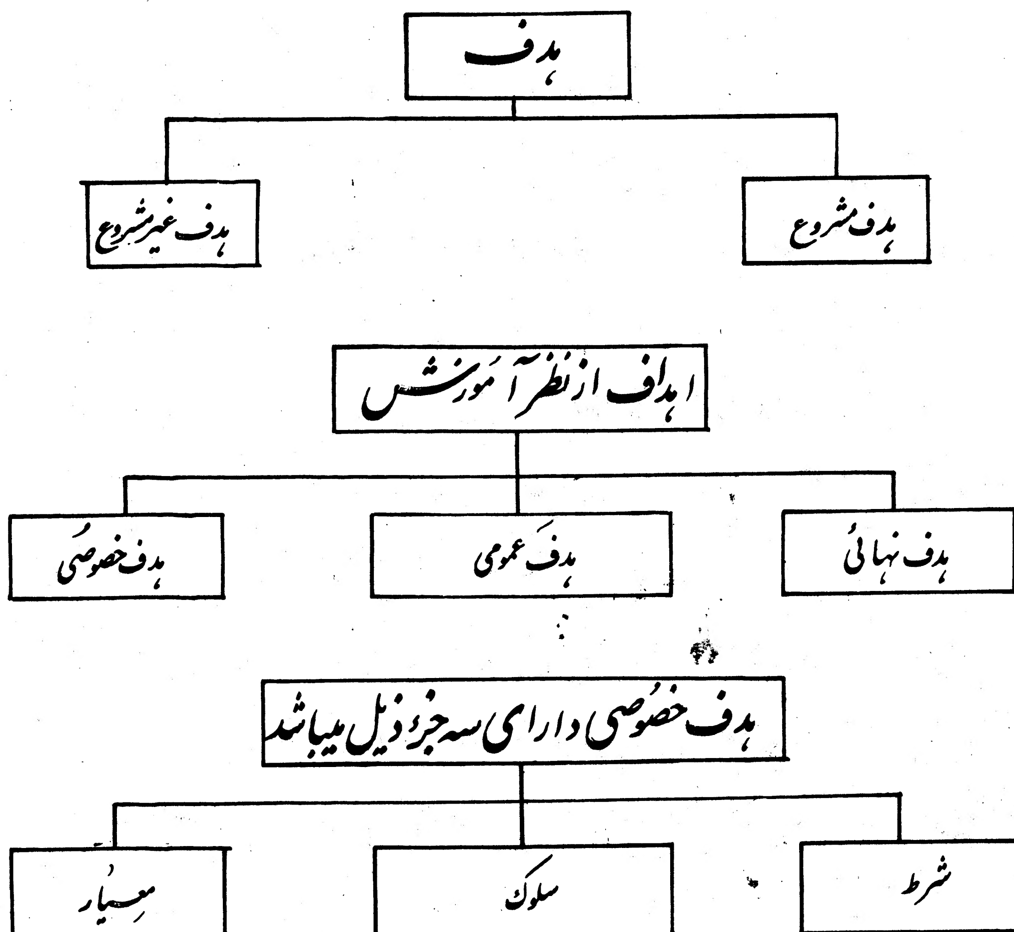
۱- اهداف مشروع :- آن اهدافیست که به نتایج اسلامی منتج می گردد، مانند اهداف مقدس اسلامی که هدف درآن حصول رضای خداوند(ج) باشد.

۲- اهداف غیرمشروع :- آن اهدافیست که به نتایج غیراسلامی، غیرانسانی، شیطانی وضدبشری منتج می گردد. که مرام تنها درآن حصول مادیات، راضی نگهداشتن اشخاص و اشباع نمودن خواهشات مادی ونفسیاتی درآن درنظر باشد.

درجوامع بشری فعالیتها وعملیات قسما قسم برای اهداف گوناگونی اجرا میگردد که ازجملهٔ آنها یکی هم عملیهٔ تعلیم وتربیه میباشد. ازینکه تعلیم وتربیه خواست کلی یک اجتماع بشری است تعلیم وتربیه برای هرانسان بمنزله غذای روزانه شمرده می شود (تعلیم فریضهٔ اسلامی است) وموضوع مورد بحث ما هم تعلیم وتربیه است لذا درباره اهداف تعلیمی بحث می کنیم :

اهداف تعلیمی از نگاه وسعت به سه نوع است.

۱- اهداف نهائی :- نتیجه نهائی یک کار پلان شده را هدف نهائی گویند، مثلاً هدف نهائی تعلیم و تربیه اسلامی اینست که یک اجتماع سالم اسلامی تشکیل شود جهت تشکیل یک جامعه سالم اسلامی تربیه افراد سالم ضرورت است. تا اینکه بالآخره هدف نهائی که عبارت از حصول رضای خداوند ج است بدست آید.



۲- اهداف عمومی :- نتیجه عام درنظر گرفته شده یک کار پلان شده را هدف عمومی گویند مانند اهداف یک مضمون یک کتاب یا یک فصل .

۳- اهداف خصوصی :- نتیجهٔ خاصی درنظر گرفته شده یک کار پلان شده که در همانجا بدست آید عبارت از هدف خصوصی است . مثال هدف موضوع یک ساعت درسی .

مثال : یک مسلمان به مسجد میرود که نماز را ادا کند . درین عمل هدف خصوصی به مسجد رفتن است و هدف عمومی در آن ادای نماز است که هدف نهائی در آن حصول رضای خداوند ج میباشد .

اگر اهداف خصوصی بطور صحیح تعین و درست بدست آمده نتواند . دست یابی با اهداف عمومی و نهائی خیلی مشکل خواهد شد . بدین لحاظ باید اهداف خصوصی بقسم صحیح درست تعین و بدست آید .

برای اینکه اهداف خصوصی تعلیمی (اهداف یک موضوع درسی) بطور صحیح تعین شده بتواند نکات ذیل باید درنظر گرفته شود :

۱- هدف را معلم از طرف شاگرد بنویسد (باید واضح باشد که این فعالیت را شاگرد انجام میدهد) .

۲- در نوشتن هدف باید بجای شناختن فهمیدن و یادگرفتن کار و فعل شاگرد ذکر شود .

۳- در یک هدف نوشته شده باید تمام اجزای آن واضح باشد .

هر هدف سه قسمت (اجزا) دارد : الف ، شرط ، (ب ، سلوک ، (معیار) .

الف - شرط : آن محدوده ایست که در آن شاگردان آن فعالیتهائی را انجام دهند که از نزد شان خواسته شده باشد .

ب - سلوک : مجموعهٔ آنعده فعالیت هایست که از شاگرد تقاضای اجرای آن میشود

ج - معیار : درجه ایست که شاگردان باید به آن درجه فعالیتها را اجراء کنند .

مثال : صنف : چهارم ، مضمون : اجتماعیات ، موضوع : براعظم های دنیا .

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه : نحمده ونصلی علی رسوله الکریم . اما بعد :

تمام نیروهای جهادی ملت مسلمان افغانستان و موسسات مختلف در مورد تعلیم و تربیه ـ نسل جدید و جوان افغانستان یک سلسله خدمات انجام داده اند که هرکسی درین راه به نوبهٔ خود از ته دل زحمت کشیده. نظام تعلیم و تربیه ایرا که از چند سال با ینطرف در آتش کمونیزم سوخته و ویران گشته تحت بازسازی گرفته اند که درین جریان کمیتهٔ تعلیم و تربیهٔ افغانستان نیز کار خود را از سال ۱۳۶۲ هـ ش آغاز نموده و تا حال در بیست و یک ولایت مختلف افغانستان تقریباً (۵۰۰) باب مکاتب ده ها تی و ابتدائی را فعال کرده که در آنها ۲۷۰۰ ـ نفر معلم برای (۸۵۰۰۰) ـ نفر شاگرد علم می آموزانند و هم تربیهٔ اخلاقی آنها را تحت نظارت خویش قرار داده اند . مشکلیکه از دست کمونیزم خون آشام بطور عام تمام ملت مسلمان افغانستان متضرر گردیده همچنان بطور خاص طبقهٔ معلمین خسارات زیادی را متحمل گردیده اند زیرا که تعداد زیاد شان به محبت دین و وطن قربانی شده اند بعضی ها زنده مفقود الاثر و تعداد زیاد دیگری آنها شهید شده اند و همچنین یکتعداد آنها برای پیش برد و دوام جهاد از وظیفهٔ معلمی خویش دست بردار شده اند . ملهذا برای پیشبرد امور و اعمار مجدد تعلیم و تربیهٔ ویران شده یکتعداد اشخاص غیر مسلکی انتخاب گردیدند که درین صورت هر معلم نو کار تعلیم و تربیهٔ نسل جوان را خود سرانه به پیش میبرد . درحالیکه اگر آنها زحمت زیادی میکشند ولی نتیجهٔ مطلوب را بدست نمی آورند و بعضی از آنها معلومات و علمیت فراوان دارند اما در انتقال معلومات به شاگردان مهارت ندارند .

ازین سبب شعبهٔ نصاب تعلیمی کمیتهٔ تعلیم و تربیهٔ افغانستان تصمیم قاطع گرفت که برای بهبود نظام تعلیمی براه انداخته شده تمام معلمانی را که درین مورد سهیم اند از روحیات تعلیمی ، اصول تدریس و طرق تعلیم و تربیه بهره مند سازد . ازین جهت سلسله سمینارهای تعلیم و تربیهٔ استادان را آغاز کرد و این کتاب را برای این

هدف : شاگردان در اخیر درس نام بر اعظم های دنیا را گرفته توانند و موقعیت آنها را در نقشه نشان دهند و هم این کار را در دو دقیقه طوری انجام بدهند که از جمله پنج بر اعظم دنیا نام چهار آنها را صحیح بیان و با موقعیت های آن در نقشه نشان بدهند .

در مثال فوق اسمأ بر اعظم ها و موقعیت آنها را در نقشه ، شرط و بیان کردن اسمای آنها و موقعیت آنها را در نقشه نشان دادن ، سلوک از جمله پنج بر اعظم نام گرفتن چهار آن با موقعیت آن معیار تعین شده است بدینمنوال اجرای این کار در دو دقیقه معیار میباشد .

باید یادآور شد که این وقت (دو دقیقه) با وقت ارزیابی برابر باشد وقتیکه تعین شده باشد که اجرا کردن طرز العمل موضوع (شرط) در وقت معین گنجانده شده باشد همچنان این وقت گاهی معیار و گاه گاه که اهمیت آن از نظر معلم زیاد باشد شرط هم شمرده میشود . مثلاً در امتحان کانکور وقت از نظر اهمیت آن شرط محسوب شده میتواند .

پلان

قبل از اینکه مستقیماً به پلان بحث نمائیم میخواهیم که نخست به فعالیت انسان روشنی باندازیم الله ج، نه تنها به انسان قوهٔ عقل، فکر و تصور عنایت فرموده میفرماید (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِیْٓ اٰدَمَ).

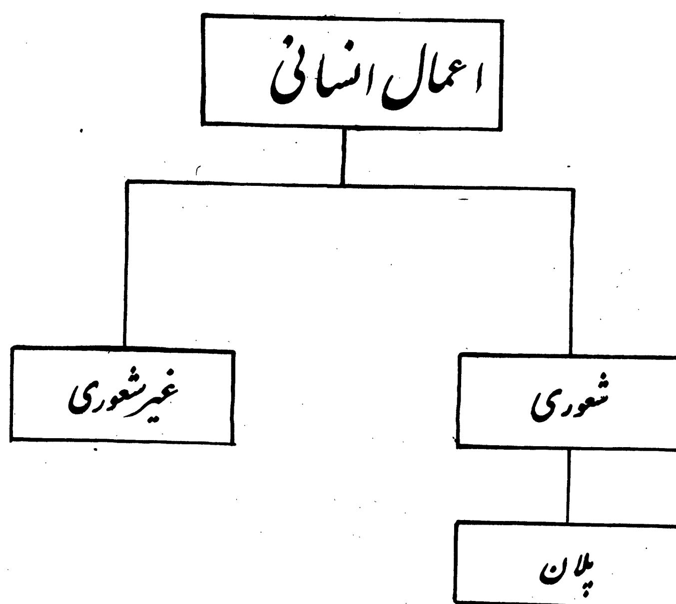
این صفت کرامت و قوهٔ تعقل است که بواسطهٔ آن الله ج، انسان را بروی زمین خلیفه و آباد کنندهٔ گردانیده است.

(وَاِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً ط) در آیه مبارکه فوق برای انسان از طرف الله ج، خلافت زمین به قسم یک تحفهٔ ارزشمند داده شده است.

و به همین سبب است که خداوند متعال به انسان قدرت آبادی زمین و فکر کردن بخشیده است و این برای آنست که انسان در بارهٔ آیندهٔ خود فکر و تصور می کند. بعضی اوقات اینطور هم میشود که یک عمل قبل از یک طرح ذهنی بطور تصادفی صورت میگیرد به این معنی که قبل از عمل گاهی قصد موجود نباشد به همین اساس اعمال انسانی را به دو دسته تقسیم کرده میتوانیم. (غیر شعوری و شعوری)

۱- **اعمال غیر شعوری** :- اعمال غیر شعوری عبارت از اعمالی است که در ذهن انسان برای اجرای آنها تصور، تفکر و تجهیز قبلی موجود نباشد تا آنها را بصورت ناگهانی فوراً انجام میدهد.

۲- **اعمال شعوری** :- اعمال شعوری آن عمل را گفته میشود که برای اجرای آن همرای انسان قبلاً تصور، فکر، تدبیر و دانستگی موجود باشد و به خیال کامل راه های انجام آنرا با خود سنجیده باشد و یک طرح و یا نقشه برایش ساخته باشد. پس پلان آن عمل شعوری است که برای اجرای آن قبل از قبل بروی کاغذ نوشته شده باشد و یا در ذهن کسی موجود باشد.

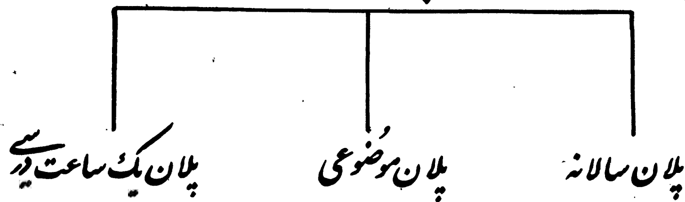


تعریف پلان :- پلان درلغت بمعنی تدبیر و بخش است و در اصطلاح طرح نقشه ذهنی خط مشی برای یک کار وفعالیت بنام پلان یاد میشود .

پلان درسی :- یک راه سیستماتیک و منظم است که تمام فعالیتهای شاگرد و معلم بجا طرا جرا از طرف استاد در آن درج شده باشد . شلیکه میدانیم بدون داشتن یک پلان منظم در هیچ حصهٔ زندگی کامیابی کامل نصیب ما نخواهد شد پس لازم است که یک معلم خوب در جریان تدریس از همه اولتر یک پلان درسی صحیح منطقی و عملی داشته باشد . تا با درنظرداشت پلان بتواند موضوع مطلب را بصورت بسیار خوب تدریس و به شاگردان انتقال داده و نتیجهٔ صحیح را بدست آورد .

یک معلم خوب باید بطور عمومی سه نوع پلان درسی را در آغاز سال درنظر داشته باشد .

پلان درسی



۱- **پلان سالانه** :- این پلان در آغاز سال تعلیمی از طرف معلم ساخته میشود که در آن مواد درسی و متن کتاب درسی مطابق تقسیم اوقات و جنتری درنظر گرفته میشود.

و تمام موضوعات، تعداد ساعت های درسی، رخصتی، امتحان، فعالیتهای بیرون از صنف و سیر علمی در این پلان پیشبینی شده میباشد.

بطور مثال :- میخواهیم پلان درسی سالانه برای ریاضی صنف ششم که در یکی از مکاتب سردسیر تدریس می گردد ترتیب و بسازیم پس برای این کار قبل از همه نقاط ذیل را درنظر بگیریم :

۱- یک سال تعلیمی (از ۱۵ حوت الی ۱۵ قوس) = نه (۹) ماه = ۳۶- هفته .

۲- وقت امتحانهای ($4\frac{1}{2}$ ماهه و سالانه) = یکماه .

۳- رخصتی گرمی بعد از امتحان $4\frac{1}{2}$ ماهه ده روز .

۴- رخصتی عید ها و متفرقه ده روز .

۵- رخصتی تعیین شده برای ضروریات شخصی یک معلم ده روز .

۶- طبق تقسیم اوقات اداره در هفته چهار ساعت درسی ریاضی است .

۷- حال رخصتی های امتحانات، عید ها، رخصتی شخصی معلم که جمعاً دو ماه میشود از تمام مدت سال تعلیمی کم می کنیم

تا روزهای اصل تعلیمی معلوم گردد ۹ ماه - ۲ماه - ۷ ماه ، ۷ ماه = به ۲۸ هفته و در هر هفته که چهار ساعت درسی ریاضی داریم به این حساب در تمام سال تعلیمی ساعات های درسی مضمون مذکور (۱۱۲) ساعت میشود و از طرف دیگر می بینیم که کتاب ریاضی صنف ششم جمعاً ۱۲۶ صفحه دارد .
با درنظرداشت حجم کتاب و موضوعات شکل و سادهٔ آن کتاب را به (۱۱۲) ساعت به اساس جدول ذیل تقسیم مینمائیم .

پلان سالانه

مکتب :
صنف :
مضمون : ریاضی
معلم : عبدالله

سال : ۱۳۶۸
تعداد ساعات : ۱۱۲

شماره	موضوعات	ساعات درسی	تاریخ	فعالیتهای بیرون از صنف ، مواد و سیر علمی
۱	ریاضی	۶	۱۵ حوت الی ۲۹ حوت	مواد محیطی - چارتها
۲	سیت	۲۰	۲ حمل - ۱۰ - ثور	مواد محیطی - چارت سیر علمی
۳	کسر	۲۱	۱۱ - ثور - ۱۴ - سرطان	اشکال مواد محیطی
۱۵ - ۲۱ - سرطان امتحان ۴½ ماهه از اول اسد الی (۱۰) اسد رخصتی گرمی هوا				
۴	نسبت و تناسب	۱۹	۱۱ - اسد - ۱۷ - سنبله	چارت ها
۵	مقیاسات	۶	۱۸ - ۲۱ سنبله	سیر علمی - مودلها - اشیای طبیعی دیگر - متر
۶	هندسه	۳۰	۱ - میزان ۳۰ عقرب	اشکال - بکس هندسی ، مودلها
از اول قوس الی (۱۵) قوس امتحان سالانه .				

۲- **پلان موضوعی**: همه کتابها دارای یک سلسله موضوعات خاص میباشند که محتویات آن با یکدیگر ارتباط دارند. موضوعات را معلم بطور جداگانه مطالعه نموده تا برای هر موضوع، پلان موضوعی بسازد. مثلاً: از روی پلان سالانه مضمون ریاضی برای صنف ششم که قبلاً ترتیب گردیده بود پلان موضوعی را طور ذیل ترتیب مینمائیم:

جدول تخمینی پلان موضوعی

شماره	موضوعات مضامین	در ترتیب و ساختمان مفاهیم	تعداد ساعات درسی	تاریخ به اساس تقسیم اوقات	وسایل و مواد	آمادگی راجع به موضوع خارج از پروگرام (ابتکار)
۱	ریاضی	۱- باب ریاضی، تعریف حساب اعداد (صفحه اول)	۰	۱۲ حوت	تخته و تباشیر کتاب، تخته پاک، چارت و کارتهای اعداد	ساختن مودل اشیا، انتخاب اشکال مناسب، ساختن سوالات به اساس ذوق و دلچسپی شاگردان
		۲- از یک الی ده ارقام رومی (صفحه ۲)	۱	۱۹-حوت	〃 〃	〃 〃 〃
		۳- طبقات و مراتب اعداد حساب (صفحه ۲-۱)	۳	از ۲۰ حوت الی ۲۷ حوت	〃 〃	〃 〃 〃
		۴- حل تمرین (صفحه ۵)	۱	۲۹-حوت	〃 〃	〃 〃 〃
۲	هیئت					

نوت: به ترتیب فوق با درنظرداشت موضوعات پلان سالانه، برای هر موضوع تقسیمات واحدهای درسی و اوقات لازم درنظرگرفته و پلان موضوعی خویش را تکمیل مینمائیم.

۳ـ **پلان یک ساعت درسی :ـ** عبارت از خط مشی منظم و سیستماتیک بوده و تمام فعالیتهایرا که معلم و شاگرد در ظرف یک ساعت درسی انجام میدهند غرض اجرا از طرف معلم در آن درج شده باشد .

مراحل پلان یکساعت درسی :ـ

اول ـ فعالیتهای مقدماتی و ترتیب و تنظیم صنف .

الف :ـ دادن سلام .

ب :ـ گرفتن حاضری شاگردان .

ج :ـ احوال پرسی .

د : ملاحظه نمودن نظافت .

هـ : ملاحظه نمودن کارخانگی و اصلاح کردن .

و : تنظیم کردن شاگردان و به ترتیب ماندن مواد درسی .

ز : تولید انگیزه در وقت مناسب .

دوم : **ارزیابی درس گذشته و ارتباط آن با درس جدید :**

الف : معلم باید درس گذشته را از شاگردان ارزیابی نماید .

ب : معلم باید جهت دریافت نمودن عنوان درس جدید از شاگردان خود طوری سوال نماید تا شاگردان به دریافت نمودن عنوان درس جدید قادر گردند . و در صورت امکان درس گذشته به درس جدید ارتباط داده شود .

سوم :ـ **جریان درس جدید :ـ**

۱ـ معرفی عنوان و مقدمه درس جدید :ـ درس جدید را به بسم الله الرحمن الرحیم آغاز کرده و عنوان درس جدید و صفحه آنرا روی تخته سیاه نوشته نموده و مقدمه کوتاه و مختصر در مورد درس جدید گفته شود .

۲ - مشق و تمرین فعالیتها :-

الف : خواندن درس جدید از روی کتاب بالای شاگردان (یک یک سطر خورد توسط هر شاگرد .)

ب : خواندن درس جدید بالای شاگردان بطور مخفی (که بعداً از شاگردان پرسیده شود که از خواندن کتاب کدام نفر ؟ چه چیز یاد گرفت ؟) با استفاده از موقع معلم درین وقت کلمات و لغات مشکل و مهم بالای تخته تحریر نموده که بعداً از ان در تشریح استفاده می کند .

ج - تشریح درس جدید : معلم باید درس جدید را به شکل سوال و جواب قطعه قطعه از شاگردان خود پرسیده و خود معلم به آنها کمک نموده و از وسایل کمکی و محیطی مثلاً : چارتها ، کارتها ، سنگچل لوبیا وغیره که قبلاً تهیه کرده درین موقع از آن استفاده نماید .

۳ - خلاصهٔ درس :-

الف : خلاصهٔ درس : بعد ازین که معلم درس خود را قسم سوال و جواب به شاگردان تقدیم و عرضه کرده بود . معلم باید خلاصهٔ آن را گفته و مختصراً در چند نقطه تشریح کرده و سعی نماید تا نتیجهٔ درس را بیان کند

ب : ارزیابی درس :- توسط سوالات از شاگردان معلوم می کنیم که درس جدید را یاد گرفته اند و یا خیر ؟

ج : دادن وظیفهٔ خانگی : بعد از ختم و ارزیابی درس جدید مطابق توان (قدرت) و سویهٔ آنها به ارتباط درس به شاگردان وظیفه خانگی داده شود و بعداً کتاب ترقی تعلیم را خانه پری نموده با تبدیلی ساعت درسی با شاگردان خداحافظی نموده از صنف خارج میشود .

۱- معلم میتواند در مواقع مختلفه انگیزهٔ آموزش را تولید نماید مثلاً در هنگام ارتباط دادن درس جدید به درس گذشته و یا قبل از آغاز درس جدید .

انگیزه : عبارت از آن احساس و تحرک داخلی بدن است که توسط عوامل خارجی تولید و نیروی انسان را به تحرک می آورد .

نوت : گفتن قصهٔ مفید : درصورتیکه تمام فعالیتهای درسی به اختتام برسد وهم چند دقیقه وقت باقیمانده باشد بالای شاگردان شعارهای اسلامی قرائت نموده و یا خود معلم یک قصهٔ مفید بگوید .

نقاط اساسی پلان درسی :

درساختن یک پلان درسی نقاط ذیل درنظرگرفته میشود :

۱- مشخصات : معلم ، مدرسه ، صنف ، مضمون ، موضوع ، تاریخ همان روز و وقت .

۲- هدف و یا مطلب درسی : برای تدریس باید هدف تحریر گردد درساختن پلان درسی درنظرداشته باشیم (متوجه باشیم) که قدم بقدم بطرف هدف نزدیک میشویم یا خیر ؟

۳- تعیین سویهٔ تعلیمی شاگردان : معلم باید سویهٔ تعلیمی شاگردان را دانسته واگر به مدرسهٔ تازه آمده باشد باید شاگردان خود را ارزیابی نموده تا سویهٔ شانرا معلوم ومطابق آن پلان درسی خود را عیار نماید .

٤- انتخاب میتود : درساختن پلان درسی باید مطابق مضمون وموضوع میتودهای انتخاب شود که آموزش شاگردان بصورت صحیح ومفید صورت بگیرد تا معلم وشاگردان را یکجا به هدف برسانند

۵- خلاصه درس :- برای درس طوری خلاصه ترتیب گردد که تمام درس برای شاگردان طور خلص تقدیم شود . نتیجهٔ درس را به شاگردان اعلان نماید .

٦- ارزیابی درس :- برای اینکه بدانیم به هدف خود رسیده ایم یا خیر ؟ پس از شاگردان به واسطه چند سوال درس ارزیابی شود .

۷- تعیین وقت : برای هرمرحلهٔ پلان درسی یک وقت مناسب تعین شود .

۸- مواد درسی :- برای هرمرحله پلان درسی باید مواد درسی مناسب انتخاب شود .

فوائد و وظایف پلان درسی :

۱- مواد و مطالب پیچیده و مغلق را صحیح ترتیب و تنظیم مینماید .

۲- از ضایع شدن وقت جلوگیری می کند .

۳: برای بکاربردن روشهای مختلف پیش بینی صورت میگیرد .

٤- معلم را در تدریس به هدف میرساند .

۵- همرای معلم کمک می کند تا به ارتباط درس خود مواد قابل توجه ترتیب نماید .

٦- وقت و جای موضوعات اصلی را به موضوعات فرعی نمیدهد .

۷- در فعالیتهای درسی برای شاگردان سهم و وقت زیاد میدهد .

۸- معلم را از تدریس خود مطمئن میسازد

چنین سمینارها پیش آهنگ و رهنما تعیین نمود تا در مکاتب ولایات مختلف افغانستان توسط هیئت های تربیوی متشکل از چهار نفر در میدان عمل پیاده گردد .

پلان درسی

معلم : عبدالله
صنف : ششم
مدرسه : امام ابوحنیفه

مضمون : ریاضی
موضوع : سیت های معادل
تاریخ : ۱۳۶۸/۱۱/۱۲-

اهداف :- شاگردان در آخر درس بتوانند که سیت های معادل را تعریف و در چند سیت مختلف سیت های معادل را بدون کدام غلطی عملاً نشان بدهند.

وقت	فعالیتهای درسی	مواد درسی
۵	بسم الله الرحمن الرحیم اول تنظیم صنف :- سلام، احوال پرسی، حاضری گرفتن، دیدن نظافت ترتیب و تنظیم مواد درسی، دیدن وظیفه خانگی و اصلاح آن.	تخته سیاه تباشیر تخته پاک کتاب ریاضی صنف ششم تخته پاک سنگ ریزه چوب تباشیر قلم ها کتاب ها کتابچه ها ......
۲	دوم - ارزیابی درس گذشته و ارتباط آن با درس جدید: سیت را تعریف کنید؟ عنصر سیت کدام است؟ آیا شما سیت ها را مقایسه کرده میتوانید؟ چطور؟ ...... شما ملاحظه کرده اید که در بعضی سیت ها عناصر کم و در بعضی سیت ها عناصر زیاد و در برخی با هم مساوی است لهذا باید نوع سیت ها را بشناسیم.	
۱۸	سوم - جریان درس جدید ۱- بسم الله الرحمن الرحیم درس امروزه ما سیت های معادل است. به تخته سیاه عنوان و صفحه ۱۲ را می نویسیم. بطور مقدمه نمونه از چند سیت را بروی تخته سیاه واضح می کنیم. ۲- مشق و تمرین کردن فعالیتها : الف : بالای چند شاگرد متن کتاب را به شکل پارچه های خورد، خورد میخوانیم. ب : شاگردان عزیز شما کتاب خود را برای دو دقیقه خفیه بخوانید (از موقع استفاده کرده به تخته سیاه چند سیت را نوشته می کنیم.) ج :- کدام تان چه یاد گرفتید؟ سیت های معادل کدام اند؟ مثلاً کدام سیت ها؟ ......) در وقت ضرورت همرای شاگردان کمک می کنیم) و به ترتیب سیت های معادل را تعریف می کنیم. و چند مثال را به تخته واضح می کنیم و هم توسط شاگردان از مواد محیطی چند سیت معادل را میسازیم.	
۳ ۵	۳- جمع آوری درس الف : خلاصه : سیت های معادل را تعریف میکنیم و در یک مثال آنرا واضح میسازیم. ب : ارزیابی درس : سیت های معادل را تعریف کنید؟ درین سیت ها سیت های معادل را نشان بدهید؟ ج : وظیفه خانگی : در کتابچه های خود سه سیت را خانه پری کنید که با همدیگر معادل باشند (بعد از خانه پری ترقی تعلیم، خدا حافظ گفته از صنف خارج میشوم).	

فصل سوم

ترتیب و تنظیم صنف

ترتیب و تنظیم صنف برعلاوه ازینکه در جهت آسانی درس کمک و همکاری مینماید برای آموزش شاگردان نیز زمینه را مساعد میسازد پس لازم است که : در هنگام داخل شدن به صنف نکات ذیل را در نظر بگیریم :

۱- شاگردان را سلام دادن : در وقت داخل شدن به صنف باید به پیشانی باز و به لهجهٔ شرین به آواز مناسب به شاگردان السلام علیکم و رحمة الله و برکاته گفته شود که این عمل از یکطرف طریقهٔ مسنونه بوده و از طرف دیگر در میان شاگردان احساس خوشحالی پیدا کرده و بین معلم و شاگردان زمینهٔ آموزش محبت و اخلاص پیدا میشود .

۲- احوال پرسی :- پس از احوال پرسی اگر کدام شاگرد مریض یا کدام مشکل داشته باشد در صورت امکان با آنها همکاری نموده و در باره هدایت لازم و اطمینان داده شود .

۳- منظم ساختن شاگردان : باید در داخل صنف شاگردان خوردسن در قطار اول و شاگردان کلان سال را در قطارهای بعدی جا داده تا شاگردان خوردسن از تخته سیاه خوبتر استفاده کرده بتوانند .

٤- گرفتن حاضری : باید حاضری شاگردان را در صنف گرفته و غیر حاضران دیروزه را به آمدن تشویق کنیم به همین ترتیب اگر امکان داشته باشد لست غیر حاضران را به ادارهٔ مدرسه تقدیم نمائیم تا از ازدیاد غیر حاضران جلوگیری بعمل آید و علت آنرا دریافت نموده راه حل مشکل را پیدا کنیم .

۵- نظافت : باید پاکی و صفائی دست، پای، لباس، موی، ناخن ..... شاگردان خویش را درنظر داشته باشیم و فواید نظافت را برای شان بیان کنیم. و در بیماریهائیکه از ناپاکی پیدا میشود و جلوگیری از آنها توصیه لازم صورت بگیرد و هم در باره میز، چوکی، فرش ..... توصیه شود تا آنها را درست نگهداری نمایند و اگر چیلی و ناپاکی باشد نفر موظف را اطلاع داده و یا عرض صفائی آن از شاگردان استفاده شود. به همین ترتیب در بارهٔ مواد قابل ترسیم به اداره خبر داده شود تا چاره سازی نماید.

۶- دیدن وظیفه خانگی : باید کارخانگی شاگردان طوری اصلاح شود که شاگرد به غلطی خود بفهمد و اگر کسی کار خانگی نیاورده باشد تهدید نگردد بلکه هدایت لازم داده شود و از طریقهٔ نیک استفاده شود تا شاگرد حاضر شود که در آینده کارخانگی را بیاورد.

۷- ترتیب لوازم و مواد درسی :- باید پیش از آغاز درس مواد درسی را ترتیب و تنظیم نمائیم و هر چیز در جای مناسب گذاشته شود که در وقت استعمال آن به مشکل مواجه نشویم و این کار را در وقت ترتیب و تنظیم صنف نیز کرده میتوانیم.

۸- موقعیت تخته سیاه : تخته سیاه باید در جای گذاشته شود (نصب گردد) که همه شاگردان صنف از آن استفادهٔ مزید نمایند و درین باره نقاط ذیل را درنظر داشته باشیم :

الف : باید تخته سیاه در جائی ماندہ شود که شعاع آفتاب بالای آن تاثیر نداشته و قابل استفاده باشد

ب : تخته سیاه در جائی تاریک نیز گذاشته نشود زیراکه چیزی بروی آن دیده نمیشود.

ج : تخته سیاه باید در فاصلهٔ مناسب موقعیت داشته تا برای همهٔ شاگردان قابل دید باشد.

د : تخته سیاه باید به ارتفاعی قرار داشته باشد که همه شاگردان از آن استفاده کرده بتوانند.

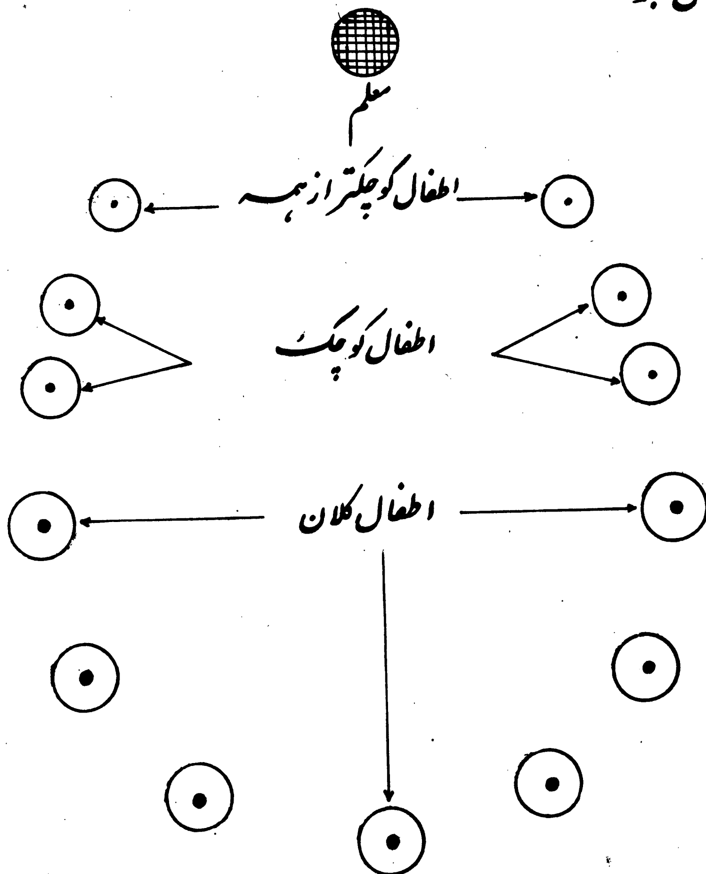
نوت :- باید سعی بخرچ دهیم که تا آخر ساعت درسی نظم و دسپلین صنف خراب نشود و بالخصوص در کارهای گروپی سابقه..... که درین وقت برای بی نظمی چانس زیاد مساعد میشود.

موقعیت معلم در صنف و گردش آن در موقع ضرورت و توجه به همهٔ شاگردان در نظم و دسپلین اهمیت و تاثیر بسزائی دارد.

داشتن دلچسپی بدرس در تنظیم و ترتیب صنف اثر خاص دارد و همچنان آواز مناسب معلم، اخلاق پسندیده
اسلامی کردار و رفتار خوب توجه به حل مشکلات شاگردان نیز در نظم و اداره صنف رول و نقش خوب دارد .

ترتیب و تنظیم صنف در حالات مختلف

حالت اوّل :-



این نوع ترتیب و تنظیم صنف که شکل نعل را دارد و معلم در میان نوکهای نعل واقع است بد و طرف معلم یعنی در موقعیت نوکهای نعل اطفال خیلی خورد قرار دارند و به ترتیب به تناسب سن و سال و نموی جسمی و وضع صحی قرار دارند. این نوع ترتیب و تنظیم زیادتر در تدریس مضامین قرآن کریم، علوم دینی، هدول پلی، کارهای تجربوی و همچنان در موارد دیگر به کار برده میشود.

حالت دوم :

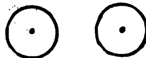
ایچنین ترتیب و تنظیم صنف که چهار قطار افقی و شش قطار عمودی دارند و میان هر دو قطار عمودی غرض رفت و آمد شاگردان یک راه دارد که مجموعاً بطرف تخته سیاه و معلم دو راه دارند در قطار افقی اول پنج شاگرد خورد و یک شاگرد کلان دیده میشود که طفل کلان شاید تکلیف شنیدن را داشته باشد و یا تکلیف دیدن تخته سیاه را خواهد داشت زیرا در چنین جای برایش جا داده شده است که هم نامبرده قسم بهتر آموزش کرده بتواند و هم در آموزش دیگران مانعی ایجاد نکرده باشد و در قطار افقی دوم و سوم اطفال کوچک که اطفال قطار سوم از قطار های افقی اول و دوم کمی کلانتر اند و در قطار افقی آخری (چهارم) همه شاگردان کلان اند . ازین سبب آنها در قطار آخری شانده شده اند که اگر در پیشروی اطفال خورد شانده شوند دیدن تخته سیاه را از آنها مانع میشوند و همچنان مشکلات دیگری را ایجاد می کنند که این نوع ترتیب و تنظیم صنف در تدریس مضامین



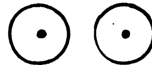
معلم

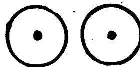
طفل کلان که خوب دیده و شنیده نمی تواند

اطفال کوچکتر از همه

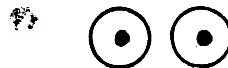
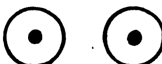




اطفال متوسط

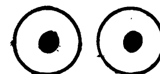




اطفال کمی کلانتر


اطفال از همه بزرگتر





عصری رول خوبی را بازی می کند . در صورتیکه صنف کلان و جای کافی داشته باشیم دو راه و در غیر آن یک راه می مانیم .

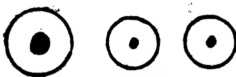
حالت سوم :

این نوع ترتیب و تنظیم صنف که از چهار قطار تشکل است و در میان قطار سه نفری یک راه عمومی برای رفت و آمد شاگردان وجود دارد . در قطار اول پنج نفر شاگرد خیلی کوچک و یک نفر شاگرد کلان قرار دارد ، که چشم وی ضعیف و از دور روی تخته سیاه چیز را خوب دیده نمیتواند و یا گوشهایش معیوب و آواز معلم را از دور نمی شنود پس نامبرده در جای قرار دارد که هم خودش از درس استفاده خوبی کرده بتواند و هم مانعی را به شاگردان دیگر ایجاد نکرده باشد در قطار

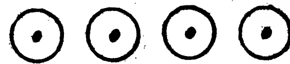


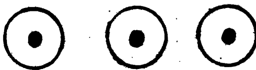
معلم

طفل کلانیکه خوب شنیده
و دیده نمیتواند.



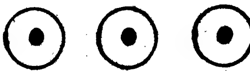
از همه شاگردان کوچکتر





اطفال متوسط





اطفال کلان



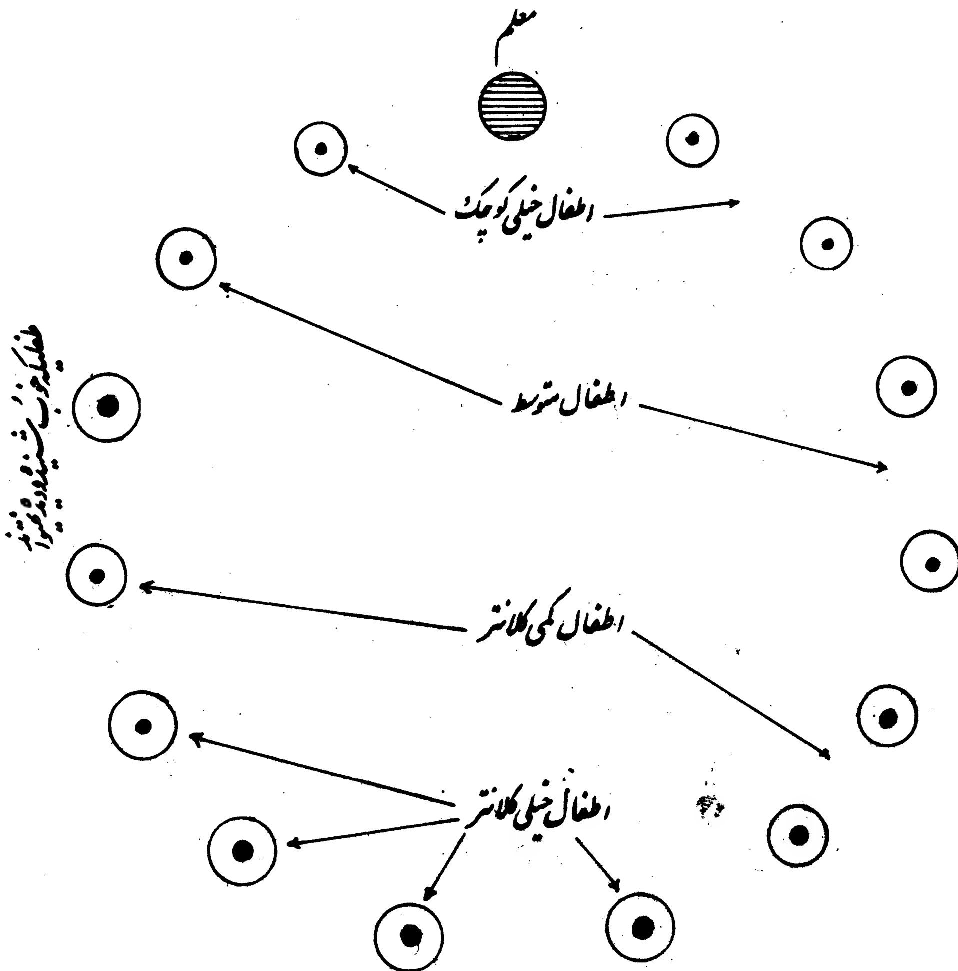
اطفال از همه کلانتر



دوم شاگردان متوسط و در قطار سوم نسبت به قطار دوم شاگردان کمی کلانتر و در قطار چهارم از همه شاگردان کلانتر قرار دارند و معلم پیشروی همه شاگردان قرار دارد که این نوع ترتیب و تنظیم صنف برای تدریس مضامین عصری مؤثر تمام می شود .

حالت چارم :

این نوع ترتیب و تنظیم صنف که دائروی شکل است و معلم هم در قسمت محیطی این دائره با شاگردان یکجا نشسته است و به چپ و راست آن اطفال خیلی کوچک نشسته به تناسب قد، جسامت، ساختمان جسمی و وضع صحی شاگردان بدو طرف اخذ موقع کرده که این نوع ترتیب و تنظیم صنف اکثر اوقات در تدریس مضامین قرآن کریم و علوم دینی بکار



برده میشود که هم در رول پلی، کارهای تجربوی و سائر کارها از آن استفاده بعمل می آید .

مشکلات سه گانهٔ صنف و راهای حل آن

الف : مشکلات سه گانه :-

۱- صنف اول است یک شاگرد در اخیر صنف نشسته و خوابش برده خُر خُر می کند و شاگردان دیگر می خندند و نظم صنف از بین میرود و معلم می فهمد که این شاگرد از یک فامیل غریب است و هم از جای دور می آید و مشکلات فامیلی نیز دارد معلم درین حالت چطور میتواند که نظم صنف را حفظ کند ؟

۲- صنف دوم است ، در داخل صنف معلم به تدریس مصروف است و یک شاگرد با شاگرد دیگری دست اندازی می کند و به درس متوجه نمیگردد و معلم این حالت بچشم خود شاهده می کند که بعضی شاگردان می خندند معلم درینحالت چه کند تا این نوع مشکلات حل گردد ؟

۳- صنف پنجم است ، و معلم میخواهد در شروع سال تعلیمی یک تست (امتحان صنفی) بگیرد صنف خیلی خورد و امکان دور کردن چوکی ها هم نیست و شاگردان از یکدیگر نقل می کنند ، درین حالت معلم چطور کرده میتواند که شاگردان صنف را کنترول و از نقل جلوگیری شود .

ب : راه های حل مشکلات :-

۱- راه حل مشکل اولی : شاگرد را مخاطب قرار داده و به بسیار مهربانی برایش می گوئیم که از صنف بیرون شوید دست و روی خود را به آب پاک بشوئید بعداً که به صنف پس آمد در قطار اول برایش جا میدهیم و در فعالیتهای درسی وی را شریک میسازیم و به شاگردان دیگر که خندیده اند به بسیار مهربانی توصیه میکنیم که بار دیگر خنده نه کنند و آنانرا بفهمانیم که در جریان درس خنده کردن کار خوبی نیست.

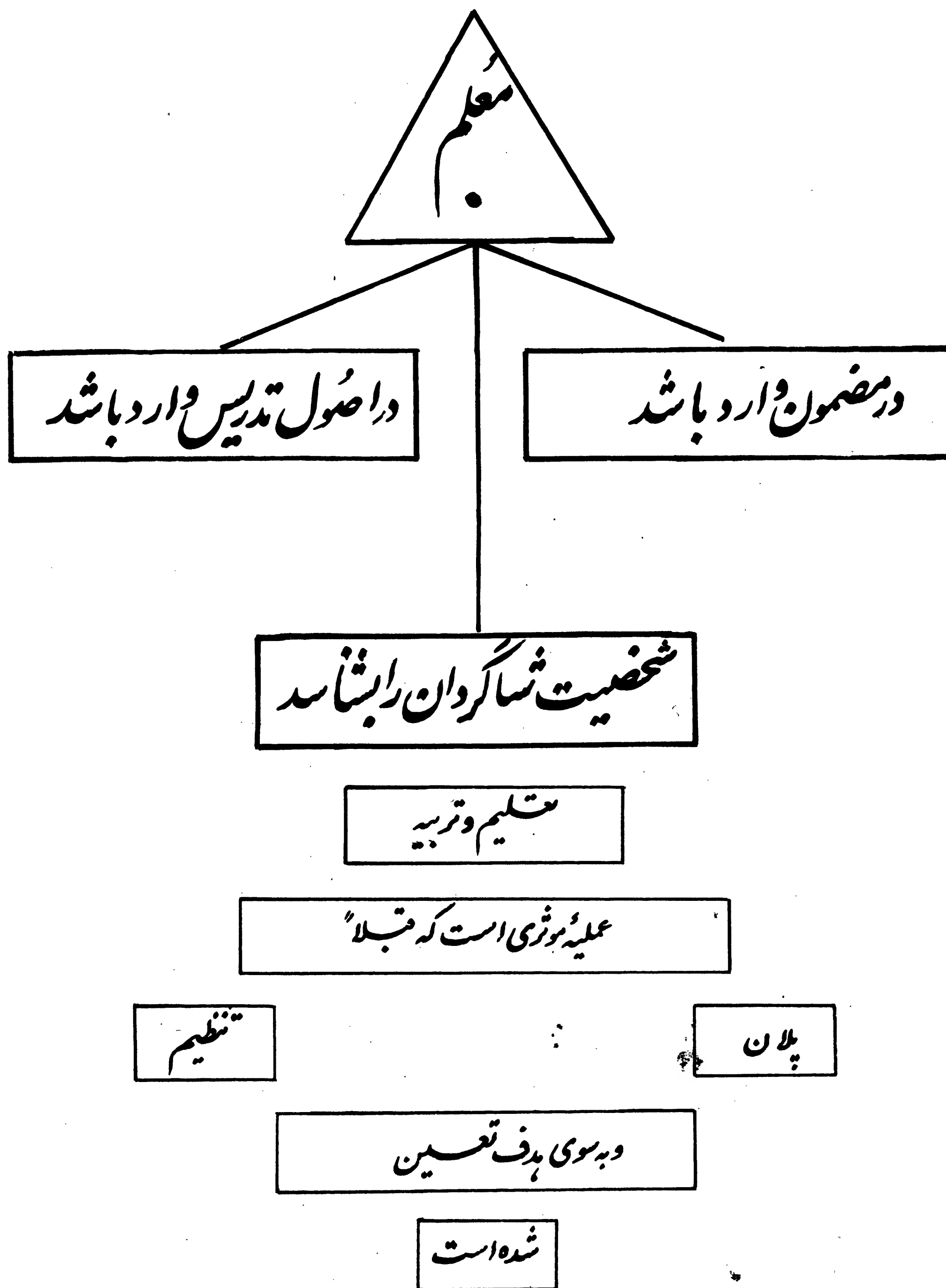
۲- راه حل مشکل دومی : - در قدم اول آن شاگرد را نیکه ساعت تیری و دست اندازی میکردند

پیشروی صنف می خواهیم و از آنها علل دست اندازی و شوخی را بپرسیم. وقتیکه علت معلوم شد، در میان شان فیصله عادلانه می کنیم شاگرد دیگه سبب دست اندازی در صنف شده بود بزبان شرین وی رامی فهمانیم که در آینده خود را ازین نوع عمل بد نامطلوب نگهدارد. واگراین شاگرد آن عمل را چند بار تکرار کند درینصورت با اولیای شاگرد تماس می گیریم تا اینکه والدینش هم در اصلاح اولاد خود کوشش نمایند، اگر شاگرد مذکور را از صنف خارج نمائیم از درس محروم میشود پس باید معلم بروقت از مهربانی کار بگیرد و بعداً در صنف جا های شانرا تغیر و در جریان درس آنها را سهیم سازد و به بعده شاگردانیکه خندیده اند به مهربانی طوری توصیه نماید که: شاگردان عزیز اگر شما درجریان درس خنده می کنید، به درس متوجه نمی شوید از آموزش و درس عقب میمانید که درین حالت آمدن تان به مکتب بی فائده خواهد بود.

۳- راه حل شکل سومی :- ما باید سوالات امتحان را به دو گروپ ترتیب کنیم و وقتیکه امتحان می گیریم شاگردان صنف را بدو گروپ (الف و ب) تقسیم می کنیم بعداً سوالات گروپ اول را به گروپ (الف) و سوالات گروپ دوم را به گروپ (ب) می گوئیم.

۱- اول به گروپ (الف) سوالات را می گوئیم و هدایت می دهیم تا بعد از اخذ سوالات پارچه های خود را چپه بگذارند و اجازه دیدن را برای شان نمیدهیم تا اینکه به شاگردان گروپ (ب) هم سوالات گفته شود بعداً به همه شاگردان اجازه حل سوالات را میدهیم.

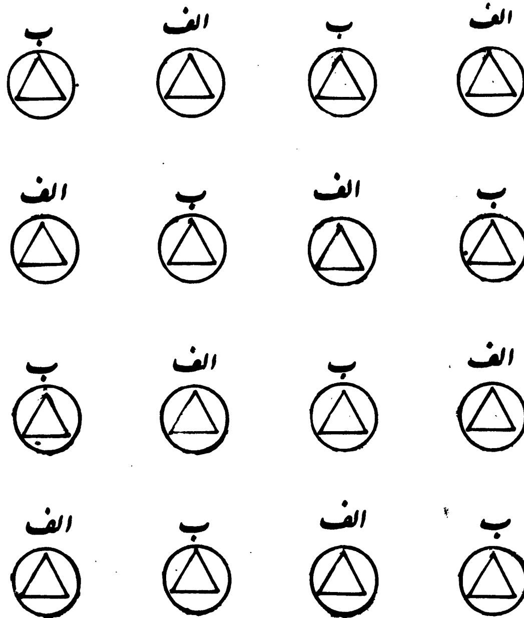
۲- از سوالات گروپ اول یک سوال به گروپ (الف) می گوئیم و بعداً از سوالات گروپ دوم یک سوال را به گروپ (ب) می گوئیم به همین ترتیب یک سوال به گروپ اول و یک سوال به گروپ دوم می گوئیم تا اینکه همه سوالات گفته شود بعداً اجازه حل سوالات را به همه گان میدهیم. برای این نوع امتحان شاگردان


معلم
در مضمون وارد باشد
در اصول تدریس وارد باشد
شخصیت شاگردان را بشناسد
تعلیم و تربیه
عملیهٔ موثری است که قبلاً
پلان
تنظیم
و به سوی هدف تعیین
شده است

را قسم زیر نشانده میتوانیم .

علامهٔ شاگرد △ است .

اگر زمینه برای فوتوکاپی سوالات مساعد باشد سوالات هر دو گروپ را فوتوکاپی مینمائیم و بعداً بالای شاگردان گروپها مطابق نامگذاری توزیع می‌کنیم و همچنان به شاگردان این چنین اعلان میداریم که این امتحان برای ناکامی نیست و من کسی را ناکام نمی‌کنم و کوشش کنید که اولتر سوالات آسان را حل نمائید و بعداً در سوالات مشکل فکر و غور کنید و حل نمائید .



فصل چهارم

اصول تدریس

اصول تدریس یک سلسله قوانین و مقررات منظمی است که استاد در تدریس از آنها کار گرفته و به هدف میرسد .

اصول تدریس از دو کلمه (اصول و تدریس) تشکیل گردیده است .

اصول : جمع اصل بوده و در لغت بیخ ، اساس ، تهداب ، قاعده ، طریقه و قانون را گویند .

تدریس : عبارت از درس دادن است ، تدریس عبارت از شناخت شاگرد و بعداً راهنمائی آن میباشد خواه این شناخت فردی باشد و یا بصورت گروپی یا اینکه تدریس مجموع فعالیت هایست که در نتیجه آن دانش از معلم به شاگرد انتقال می یابد و عناصر مهم تدریس عبارت از : معلم ، شاگرد ، اصول و یا روش تدریس وغیره مواد درسی میباشد .

پس اصول تدریس طرقی از درس دادن را گویند که یک معلم در حین تدریس خود از آنها کار می گیرد .
اصول تدریس را که میتود تدریس هم میگویند و تعریفات زیادی برای آن داده شده است که ذیلاً بعضی از آنها را نام می بریم :

۱- رهنمائی اساسی تعلیم و تربیه عبارت از میتود و یا اصول تدریس است .

۲- میتود یکنوع رهنمای منظم و معمول است که در آن عملیه تدریس توسط معلم اجرا میشود تا شاگردان بوسیلهٔ (آموزش) از آن به هدف میرسند .

۳- میتود آن فعالیت های تعمیری است تا شاگردان را بهدف برساند .

٤ – میتود آن روشی را گویند که بواسطه آن معلم برای شاگردان درس میدهد .

٥ – میتود عبارت از کوشش های مسلسلی است که شاگردان را از نقطه آغاز (الف) به نقطه انجام (ب) یعنی به هدف میرساند .

آغاز الف ب انجام

٦ – اصول تدریس عبارت از شروع و ختم یک سلسله فعالیت های منظم آموزشی است که معلم و شاگرد را به هدف تدریس میرساند .

اقسام زیادی از میتود های تدریس موجود است و بهترین میتود ها یا اصول تدریس آنست که اهداف پیش بینی شده را بدست آورده بتواند . در تطبیق بهتر میتود یا اصول تدریس از همه اولتر باید معلم از اهداف در نظر داشته خود با خبر باشد و از مقررات و قوانین اصول تدریس نیز آگاهی کامل داشته باشد . آن نقاط مهمی که یک معلم در تطبیق میتود باید بکار ببرد قرار آتی از نظر میگذرانیم :

هر معلم در تطبیق میتود باید از همه اولتر به هدف مورد نظر آگاه باشد و آنرا کاملاً بشناسد و هیچ مفهومی نزدش باید مبهم نماند . و او قادر باشد که فعالیت های خود را طوری تنظیم نماید که قدم بقدم او را بسوی هدف نزدیک سازد و در هر قسمت فعالیت خود را ارزیابی کند تا به نقاط قوی و ضعیف آن پی ببرد و در اصلاح آن بپردازد .

چون معلمان میتود تدریس را برای سازمان دادن و رهنمائی فعالیت های یادگیری شاگردان در پیش میگیرند بناءً بعقیده روانشناسان معاصر (معلم در امر تعلیم و تربیه نقش سازمان دهنده و رهنمائی عملیه یادگیری را بعهده دار است) که ما درین مورد توجه معلمان را به نکات زیر جلب مینمائیم :

١ – ضرورت و توجه به اینکه میتود تدریس و کیفیت برخورد معلم با شاگردان تنها در افزایش تجارب و معلومات او مؤثر نیست بلکه حالت و وضع روانی او را هم تحت تأثیر قرار داده در بهتری صحتمندی روانی شاگرد

کاملاً مؤثر میباشد .

۲- هر میتود تدریس باید بر بنای استعداد شاگردان متکی باشد چنانکه میدانید هر فرد برای آموزش زیاد استعداد خاص دارد .

۳- هدف تدریس آموزش است و تلاش باید تابع آموزش باشد بهمین سبب معلمان باید به روشها و قانون های آموزش اطفال آشنا باشند و مطابق آن روش مناسب تدریس را بکار برند .

۴- در فراگیری مطالب درسی هر مضمون از شیوه مخصوصی باید استفاده شود مثلاً در ریاضیات از میتود (حل پرابلم) باید استفاده شود یا در ساینس از اصول تجربوی یعنی از لابراتوار استفاده نماید .

۵- هر میتود باید نظر به سن و سال شاگردان مد نظر گرفته شود شاگردان خورد سن همه چیز ها را بصورت کل می بینند مثلاً وقتی که ما از گاو حرف میزنیم گاو بصورت کل نزد وی مجسم میشود نه بقسم جز .

۶- اکثریت ممالک نصاب تعلیمی و کتب درسی مکاتب شان را طوری تهیه میکنند که در تطبیق آن معلمین به ترتیب از اصول مشاهده ، مقایسه ، صنف بندی ، طبقه بندی ، اندازه گیری ، تصورات و فرضیات ، تجربه .... وغیره در جریان تدریس استفاده مینمایند .

۷- در تطبیق میتود از وسایل سمعی بصری و عملی باید کار گرفت .

۸- یادگیری و آموزش را نباید بزمان و مکان خاص مقید کرد زیرا یادگیری انسان مداوم است و از منابع متعدد و متنوع ، حتی بدون آگاهی صورت گرفته میتواند .

۹ - در هر میتود زبان نقش برازنده و مؤثری در یادگیری دارد . هر قدر رشد و تکامل زبان در فرد بهتر انجام گیرد امکان یادگیری او نیز بهتر خواهد بود و کم و کیف تفکر فرد هم بوضع زبان و یادگیری او وابستگی دارد . معلمان باید مهارت های ارتباطی و دایره مفاهیم خود را رشد و گسترش دهند و هم در تقویه رشد و تکامل زبان شاگردان کوشش نمایند .

۱۰ - معلمان باید در تطبیق میتود ها از اساسات و قوانین آموزش آگاه باشند.

۱۱ - معلمان باید در تطبیق میتود ها از اهداف تعلیم و تربیه و سیستم آموزش و پرورش و کلتور و ثقافت اجتماع که در آن زندگی میکنند استفاده نمایند.

۱۲ - معلم باید در مورد فرهنگ ملی خود شناخت علمی و پی بردن نقاط مثبت و منفی آن و درک مسئولیت خطیر خود برای اصلاح جنبه های منفی فرهنگ ملی از میتود صحیح کار بگیرد.

۱۳ - معلومات کافی درباره فرهنگ دیگران حاصل نماید تا بتواند از علوم و فنون اجتماع دیگر بحیث الگو استفاده کند طوریکه مخالف ارزشهای اسلامی ما نباشد و تنها از موضوعات علمی و فنی آن برای بهبود و آسایش زندگی مردم خویش استفاده کند و بهیچ صورت نمی توان فرهنگ دیگران را عیناً تقلید کرد.

۱٤ - برای انتقال از وضع موجوده به وضع آینده مطلوب (مورد نظر) روشها و وسایل مورد مطلوب را بکار بریم.

۱۵- روشها و وسایلی را که بضرورت شان معتقدیم از مایش کنیم و شجاعت و شهامت این را داشته باشیم که به کمبودها و قصور خود اعتراف کنیم و از خطاها و لغزش های خویش عبرت بگیریم.

۱٦- باید بدانیم که: امکانات، نیازها، هدفهای آنی و غائی خود را چطور کاملاً هوشمندانه تعیین و مشخص کنیم؟ یعنی بدانیم که در تطبیق میتود کدام هدفی را دنبال کنیم تا هدفهای آینده ما باشد.

بعضی میتود های مشهور تدریس قرار ذیل میباشند:

میتودهای (طرق) مختلف تدریس

- میتود سوال و جواب
- میتود مذاکره و مناقشه
- میتود حل پرابلم و مشکل
- میتود بحث و تحقیق
- میتود مشوره فکری
- میتود آزمایشی
- میتود رول پلی
- میتود مسابقه
- میتود بازی (ساعت تیری)
- میتود گروپی
- میتود سیر علمی
- میتود پروژه
- میتود فعال و یا آزاد
- میتود تجربوی و لابراتواری
- میتود مشاهده
- میتود نمایشی
- میتود سمعی و بصری
- میتود استقرائی
- میتود کلی
- میتود لکچر
- میتود تکرار
- میتود حافظوی و میخانیکی

۱- میتود سوال و جواب : دراین میتود موضوعات درسی را به حصه های خورد و کوچک تقسیم و بعداً در هر حصه آن سوالاتی مطرح میشود. این سوالات اقسام زیاد داشته که ازجمله به سه قسم آن اشاره می کنیم.

۱- آنعده سوالاتی که شاگردان جوابات آنرا به بلی یا نه می گویند.

۲- آنعده سوالاتیکه شاگردان جوابات آنرا کوتا شرح میدهند.

۳- آن سوالاتیکه شاگردان آنها جواب ب را زمیگویند.

استاد باید متوجه باشد با رتباط موضوع و با درنظر گرفتن سویه شاگردان ازسه نوع سوال فوق در تدریس کار بگیرد و قسم دوم و سوم را نسبت بقسم اول ترجیح بدهد. دراین نوع میتود شاگردان تقریباً ٪۵۰ مرکز فعالیت میباشند. نقاط عمده که معلم در وقت استفاده ازاین میتود درنظر داشته باشد این ها است:

۱- معلم باید طوری سوال بکند که شاگردان به مفهوم سوال بفهمند.

۲- معلم باید درحین سوال و جواب اکثریت شاگردان صنف را حصه بدهد.

۳- معلم باید درمقابل جواب غلط شاگردان آنها را تهدید نماید.

٤- گاه گاه معلم موقع دهد که شاگردان ازیکدیگر سوال و جواب نمایند.

۵- دراین روش معلم باید کنترول زیاد داشته و از اصل موضوع خارج نشود.

٦- طوریکه این روش وقت زیاد بکار دارد پس معلم وقت را درنظر داشته باشد.

۲- میتود مذاکره و مناقشه : اکثر استادان موضوعات درسی و مشکلات عمده شاگردان را بغرض ارائه نظریات شاگردان مطرح میکنند. شاگردان صنف مربوط عموماً درباره آن بحث و مناقشه بعمل می آورند که در مورد موضوع مطروحه بیان حقایق زیاد اهمیت دارد. مناقشه برای این نیست که دو جانب بالای یکدیگر غلبه حاصل کنند. بلکه با درنظر داشت توصیه علمای تعلیم و تربیه عصر حاضر شاگردان باید در امر فعالیت های آموزشی در صنف رول فعال داشته و مرکز فعالیت قرار گیرند. میتود مناقشه در آموزش رول بارزی دارد.

زیرا در مناقشه فکر و ابتکار شاگردان تحریک و تحریص میگردد . در میتود مناقشه قضاوت معلومات و مهارتهای مسلکی تأثیر زیادی دارد . نکته عمده و اساسی در مناقشه اینست که شاگردان به آسانی و آزادانه غرض رسیدن به یک هدف افهام و تفهیم کرده میتوانند .

۳ - میتود حل مشکل و پرابلم : معلم به اساس این میتود به حل پرابلم ها و مشکلات موجود درسی مضمون و یا مضامین داوقات معین اقدام می کند . طوریکه معلم در ساعت درسی خود برای شاگردان وقت میدهد تا مشکلات عمده راکه ایشان تاحال به حل آنها قادر نشده اند به ترتیب بیان نمایند .

معلم این پرابلم ها را با الترتیب در معرض بحث شاگردان قرار میدهد تا بدین طریق آنها را توسط شاگردان حل نماید . اگر شاگردان حل کرده نتوانند معلم با بکار برد مهارتهای مسلکی بحل آن میپردازد . معلم با استفاده ازاین طریقه عملیه آموزش را تکامل می بخشد . باید گفت که ازاین میتود در صنوف عالی بخصوص در مضامین ساینس و ریاضی بیشتر کار گرفته میشود .

٤ - میتود بحث و تحقیق : معلم و شاگردان داجرای این میتود موضوعات و مسایل را به کمک نصاب تعلیمی محتویات کتاب را در روشنی معلومات و تجارب شخصی تحت بحث قرار داده در نتیجه بخش های اساسی و عمده مسایل را انتخاب میکنند . با بکاربرد این میتود ، شاگرد و یا شاگردان هر گروپ به ارتباط حل موضوع از منابع مختلف معلومات و اطلاعات را جمع کرده و هرکدام سهم خود دراین طور مورد غور ، بحث و بررسی قرار میدهند . اولاً یک شاگرد نتایج مشاهدات خود را بیان کرده ، دیگری آنچه راکه از آزمایش دستیاب نموده ارائه می کند و شاگرد سوم مجموع تفکر و اطلاعات حاصله را در مورد حل مسایل مطرح میسازد . بدین ترتیب با سهم گیری تمام شاگردان درین مورد غور و بحث صورت میگیرد .

در نتیجه مطالب اساسی و معقول با ارائه دلایل مختلف که با موضوع ارتباط نزدیک دارد مورد قبول واقع میگردد .

در این میتود تحقیق بخشهای مختلف با ارتباط حل موضوع ازیکطرف سطح معلومات استاد وشاگردان را وسعت داده وازجانبی هم روحیهٔ استدلال را در شاگردان نیز قوی میسازد .

ازاین میتود دراکثر مؤسسات تعلیمی استفاده میشود . مثلاً بهمین ارتباط درصنوف عالی مدارس دینی در تدریس مضمون منطق بکار برده میشود .

۵ - میتود مشورهٔ فکری : میتود وروشی است که دریک موضوع ازتمام شاگردان نظرخواسته میشود معلم نظریات شانرا بالای تخته سیاه ویا کاغذ سفید نوشته ونظریهٔ هیچ کس را غلط نمی گوید . تنها ازچند نفر شاگرد محدود نظرنخواسته بلکه نظریات تمام آنها را می خواهد .

معلم باید نکات آتی را در وقت تطبیق این میتود درنظر بگیرد .

۱- هدف مشورهٔ فکری باید معلوم باشد که ازخاطرچه مشوره میکنیم .

۲- باید معلم به شاگردان بگوید که نظریات وعقاید خویش را به صورت آزادانه ارائه نمایند .

۳- معلم نظریات شاگردان را بالای تخته یا کاغذ قیمی بنگارد که ازفاصله دور دیده وخوانده شود .

٤- معلم بعد از ترتیب لست اگرضرورت باشد ازشاملین بخواهد که مطلب را واضح سازند

۵- بعد از تحلیل معلم نکات مهمی را که به اتفاق آرا ، تأیید میشود نتیجه آن را اعلان نماید دراین میتود اکثراً شاگردان مرکز فعالیت میباشند .

٦ - میتود آزمایشی : با استفاده ازین میتود درعلوم فزیکی، کیمیاوی وسایرعلوم قبل ازرسیدن بحقایق واثبات فرضیه های مطروحه ، فرضیه ها را مورد آزمایش قرارمیدادند وبادرنظر داشت نتایج حاصله در مورد قوانین وضع مینمودند . اما درعصر حاضر علاوه برآن معلم بمنظور درک سویهٔ پیشرفت شاگردان درک کمی ها و کاستی های درسی خود جهت اصلاح ازاین میتود کارمیگیرد .

۷ - میتود رول پلی (نقش بازی کردن) : مطلب رول پلی (نقش بازی کردن) اینست

که یک گروپ شاگردان به ارتباط یک موضوع درسی با اجرا کردن یک کار و فعالیت عملاً آن صحنه را تمثیل میکنند

این فعالیت بالای شاگردان دیگر تاثیر نموده و حتی شاگردان خیلی خاموش صنف هم دلچسپی نشان داده از

اثر مشاهده صحنه ها علاقه میگیرند و اظهار آمادگی مینمایند. نکات عمده که معلم در این روش باید در نظر داشته باشد

قرار ذیل است :

۱- مواد (رول پلی) قبلاً آماده شده باشد .

۲- معلم برای نقش بازی کردن به شاگردان هدایت واضح بدهد .

۳- برای هر شاگرد نقشی را که بازی میکند، نامگذاری و وظایف را که چه وقت و چه قسم اجرا نماید

روشن شود .

۴- نظم و کنترول صنف را باید در نظر داشته باشد .

۵- از این روش وقتی استفاده میشود که مردم سوء تفاهم پیدا کنند .

۶- برای نقش بازی کردن شاگردانی انتخاب گردند که قدرت اجرای آنرا داشته باشند .

۷- نقش بازی کنندگان را باید تمام شاگردان صنف ببینند .

۸- طوریکه شاگردان در این روش می بینند ، می شنوند و عملاً کار می کنند یعنی آموزش خوبتر صورت

گرفته می تواند ، ضرب المثل است که شنیدن فراموش شدن است - دیدن یاد شدن است و کردن

فهمیدن است .

۸- میتود مسابقه : در این اصول معلم از درسهای گذشته زمینه مسابقه را در میان شاگردان تشکل

گروپی مساعد ساخته و شاگردان کوشش مینمایند که یکی از دیگر سبقت جویند در روش مذکور شاگردان مرکز

فعالیت میباشند. مسابقه در جریان و آخر ساعت درسی در یک ماه یا در بین شاگردان یک صنف با صنف

دیگر صورت گرفته میتواند و نتیجه آنرا در آخر مسابقه معلم اعلان میکند نکات عمده را که معلم در وقت اجرای این اصول

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل اوّل

مقام معلم از دیدگاه اسلام

عالم و معلم از نگاه اسلام مقام بسیار بلند و عالی داشته، خداوند جل جلاله راجع به اوصاف و فضایل آنها در قرآن کریم بارها فرموده است که بعضی از آیات مبارکه طور نمونه تذکر داده می شوند.

۱- هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ط

آیه (۹) سورهٔ الزمر.

ترجمه: آیا برابر است آنانیکه میدانند و آنانیکه نمیدانند؟

۲- يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ط

آیه ۱۱ سوره مجادله

ترجمه: بلند می کند خداوند ج، درجه های آنانیرا که ایمان آورده اند از شما و آنانیرا که عطا کرده شده به آنها علم.

۳- إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ط

آیه ۲۸ سوره فاطر

ترجمه: جز این نیست که میترسند از الله ج، از جمله بندگانش خاص علماء.

٤- وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ط آیه ۳٦ سوره بنی اسرائیل.

ترجمه: مرو دنبال چیزی که نیست ترا دانش آن.

در نظر داشته باشد قرار آتی است :

۱- در وقت مسابقه معلم برای شاگردان هدایت را واضح نموده و هر گروپ را با حروف یا اعداد نامگذاری نماید.

۲- حین مسابقه کنترول و وارسی شاگردان مهم است .

۳- معلم در وقت نمره دادن عدالت نموده وطرفداری یک گروپ را نماید .

۴- تعداد سوالات و شاگردان در هر گروپ باید مساوی باشند .

۵- نوعیت سوالات هر گروپ از نگاه سختی و آسانی یکسان باشد .

۶- در ختم مسابقه نتایج برای شاگردان اعلان شود .

۹- میتود بازی یا ساعت تیری : اطفال فطرتاً بازی ، ساعت تیری و سرگرمی را خوش داشته و به آن علاقه میگیرند . بناءً معلم میتواند که در تدریس موضوعات مضامین ریاضی وبعضی مضامین دیگر این روش را اجرا کند یعنی اگر دو وسیله یا یک شاگرد را بگیریم و با دو شی دیگر وسیله بازی جمع کنیم در ینصورت اطفال تصور جمع دو و یا چار را به آسانی و دلچسبی یاد گرفته می تواند. همچنان عملیه های جمع ، منفی ، ضرب وتقسیم را به شکل بازی به شاگردان نشان داده میتوانیم . با استفاده ازین روش میتوان برای آموزش شاگردان عقب مانده وکند ذهن استفاده کرد .

مثلاً ذریعهٔ گل های رنگه ، چوت ، ساختن بلاک های مختلف الشکل از قطی های گوگرد وغیره میتوان عملیه چارگانهٔ ریاضی را تدریس کرد . میتود بازی دارای اقسام زیاد بوده که با استفاده از آن میتوان عملیهٔ تدریس و آموزش را بیشتر مفید و مؤثر ساخت .

۱۰- کار گروپی یا طریقهٔ گروپی : در این روش شاگردان یک صنف را به چندین گروپ مختلف تقسیم میکند تا شاگردان هر گروپ بالای موضوع که از طرف آموزگار برای شان داده میشود بطور مشترک بکار و فعالیت می پردازند نظریات و افکار خویش را یکجا شریک میسازند . تجربه ثابت نموده که آموختن

دسته جمعی نسبت به انفرادی موثر تر میباشد در این روش معلم نکات آتی را در نظر داشته باشد :

۱- تعداد افراد گروپها بین دو الی شش نفر باشد .

۲- گروپها قسم دایروی بنشینند .

۳- در میان گروپها فاصله موجود باشد تا معلم از ایشان به آسانی مراقبت و وارسی کرده بتواند .

۴- هدایت کار گروپی باید واضح باشد .

۵- در کار گروپی یک موضوع و یا موضوع های مختلف طوری انتخاب شود که شاگردان استعداد توانائی اجرای آنرا داشته باشند .

۶- در حالت تکرار کار گروپی اعضای گروپها باید تغیر و تبدیل شوند .

۷- بعضی وقت نتیجه کار گروپی را معلم بواسطه سخن زدن ، تفهیم کردن و گاهی آنچه را که شاگردان در کتابچه های خود نوشته کرده باشند جمع آوری نموده و نواقص آنرا اصلاح مینماید .

۸- در اخیر کار می توانیم که از اصول سابقه نیز کار بگیریم .

۹- معلم در وقت کار گروپی از شاگردان نظارت نموده و به سوالات شان جواب میدهد .

در این روش شاگردان بیشتر مرکز فعالیت میباشند .

۱۱- میتود سیر علمی : در مضامین مختلف اکثراً موضوعاتیست که علاوه از تشریحات شفاهی عملاً به دیدن آن نیز ضرورت احساس میگردد . بدین منظور بعضی اوقات معلم و شاگردان ، صنف و مکتب را ترک گفته به جاهای مورد نظر سفر می کند ، شده میتواند که اشیا و یا جاهای مطلوب از مکتب بفاصله دور واقع باشد و یا نزدیک . یعنی اگر استاد ساینس بارتباط درخت و یا نباتات تدریس میکند و بدین ملحوظ شاگردان را در ساحۀ مکتب و یا خارج مکتب میبرد درختها و یا نباتات مطلوبه برای شان نشان داده در مورد توضیحات دهد . در حقیقت از میتود سیر علمی کار میگیرد . همچنان بعضی اوقات برای دیدن و

سفرکردن به جاهای تاریخی وجغرافیوی ضرورت دیده میشود مانند سفرکردن به سرحدات ، دیدن فابریکه جات

پل ها ، مؤسسات وغیره . درمورد سیر علمی برای استاد لازم است که هدایات ، مواد وامکانات لازم را

تهیه کند .

بمنظور استفاده بیشتری شاگردان ، معلم میتواند از مردمان آگاه و دانشمند محلی ومسؤولان مؤسسات

دولتی درمکتب دعوت بعمل آورد ، تا بکمک ایشان درمورد موضوعات وجاهای مطلوب برای شاگردان

معلومات ارائه کند ، ازین طریق درهر دو راه استفاده شده میتواند . درمیتود سیر علمی ازیکطرف حس

کنجکاوی شاگردان تبارز کرده وازجانبی هم در بلند بردن سطح معلومات شان بسیار رول مهم دارد .

۱۲ - میتود پروژه :

فعالیت های انفرادی شاگردان براساس این میتود آنقدر مهم دانسته نمی شود که

فعالیت های گروپی داشته وتجمع شاگردان مهم دانسته میشود .

بنا ًفعالیت هائیرا که شاگردان یک صنف مکتب بصورت گروپی ویا دسته جمعی بارتباط شرایط

عینی زندگی تحت راهنمائی معلم انجام میدهند بنام میتود پروژه یاد میشود . درمیتود پروژه فعالیت های ذیل انجام

می پذیرد .

۱ - شاگردان براساس خصوصیات پروژه ووظایف به گروپ ها تقسیم میشوند .

۲ - ازطرف معلم برای هرگروپ یک پروژه یا قسمتی ازپروژه داده میشود .

۳ - برای هرعضوی گروپ وظیفهٔ جداگانه داده میشود .

٤ - انتخاب پروژه ، نوشتن راپور وارائهٔ معلومات به خواهش شاگردان وتحت راهنمائی معلم

بصورت گروپی انجام می پذیرد .

درمیتود پروژه نکات آتی قابل توجه میباشد :

۱- هدف پروژه ۲- طرح پلان عملی پروژه ۳- منابع کمکی پروژه ۴- نتیجه پروژه .
شده می تواند که پروژه به شکل دکانداری ، باغداری ، فارم مرغداری و یا بعضی از صنایع دستی محلی باشد. مثلاً
در افغانستان برای گوشت مرغ ضرورت داریم . بنابرآن بمنظور رفع این ضرورت فارم مرغداری را
می سازیم (هدف) پیدا کردن چوچه مرغ ها ، تهیه غذا و آب و اکسیجن کردن ، پاک کردن جای شان ،
عرضه نمودن به بازار و امثال آن دیگر وظایفی است که شاگردان آنرا بصورت انفرادی و یا گروپی انجام دهند .

۱۳- میتود فعال و یا آزاد :

از زمانه های قدیم بدینطرف دیده شده که معلم تمام فعالیت های عملیه تدریس را انجام میدهد
ولی نظریات جدید چنان است که اطفال به اساس اهداف تعلیم و تربیه برای زندگی دوره جوانی و آینده آماده
گردند . بدین لحاظ تاکید می گردد که تمام فعالیت های آموزشی برای شاگردان باید مطابق علاقه و دلچسپی
شان انتخاب گردد .

اگر معلم در وقت تدریس محض وظیفه رهنمائی را بعهده بگیرد و برای شاگردان بیشتر زمینه فعالیت
های آموزشی را مساعد بسازد . یقیناً از تدریس نتیجه دلخواهی را بدست خواهد آورد .

باید گفت که تعلیم و تربیه همان جریان پی در پی است که در تمام دوره های زندگی ادامه دارد .
بنأً فعالیت های آموزشی باید بیشتر بدوش شاگردان گذاشته شود . به سهو و اشتباهاتیکه مواجه میشوند
معلم در اصلاح آن رهنمائی کند .

اگر معلم هر فعالیت را انجام میدهد شاگردان به شایستگی و کمی آن آنقدر توجه نمیدارند طوریکه خودش
به شیوه های فعالیت های خود پی می برد . ازین لحاظ در نظریات جدید آموزش عملی و سهم گرفتن شاگردان
در فعالیت های آموزشی و کارها تاکید میگردد نه اینکه آنها برای اشیا و کارها بعضی مطالب را حفظ کنند
نظریات جدید بیشتر به بخش های حیات اجتماعی اهمیت داده ، ولی به آموزش و ذخیره معلومات فردی

آنقدر توجه مبذول نمیدارد. به اساس این نظریات مکتب از حالت سابقه که درآن درسهای مختلف آموخته می شد و هدف ذخیره کردن معلومات بود برآمده و به چنان مؤسسه درسی تبدیل شده است که اطفال درآن به فعالیت های مشغول میشوند که هم برای معلم و هم برای اطفال دلچسپ بوده و تربوی تلقی میگردد. امکان دارد که این فعالیت ها وقت بیشتری را در برگیرد. مثلاً پروژه که نمونه خانه سازی و نقشه را تمثیل مینماید شاید شاگردان درآن هفته ها را سپری کنند.

وقتی که دراین پروژه شاگردان کار می کنند برای شان خواندن آن کتاب ها مفید ثابت میشود که در باره خانه سازی ضرورت است. شاید ریاضی و مراحل مختلف آنرا از قیمت چوب، اندازه چوب وغیره اشیائیکه برای خانه سازی ضرورت است بیاموزند و همچنان در بارۀ لین برق، سویچ، هولدر وغیره اشیا معلومات اضافی نیز حاصل کنند.

وقتیکه دراین پروژه شاگردان کار می کنند برایشان خواندن آن کتابها مفید ثابت میشود که دربارۀ خانه سازی ضرورت است. شاید ریاضی و مراحل مختلف آن از قیمت چوب، اندازه چوب وغیره اشیائیکه برای خانه سازی ضرورت است بیاموزند و همچنان دربارۀ لین برق، سویچ، هولدر وغیره اشیا معلومات اضافی نیز حاصل کنند.

۱۴ - میتود تجربوی و لابراتوار: میدانیم که علوم سائنس بیشتر به تجارب متکی است. ازهمین سبب است که معلمین علاوه از تشریحات و توضیحات درس بعضی موضوعات درسی را برای شاگردان در لابراتوار به صورت عملی نیز تجربه میکنند تا بدین وسیله عملیه تدریس خود را مکمل نمایند این طریقه بسیار مفید بوده و در تدریس علوم سائنسی نقش سازندۀ را بازی میکند.

۱۵ - میتود مشاهده : اکثراً در مضامین ساینس موضوعات چنان میباشد که معلم باید آنرا برای شاگردان عملاً تجربه کند و شاگردان آنرا عملاً ببینند . بناءً وقتی که شاگردان به تشریح معلم گوش فرا میدهند و تجربه را مشاهده مینمایند می گوئیم که از میتود مشاهده کار گرفته می شود . به همین منوال وقتی که از صورت - تدریس عملی استادان در مکاتب مشاهده بعمل میآوریم دیدن میتود تدریس شان برای ما شکل میتود مشاهده را دارد .

۱۶ - میتود نمایش : میتودی میباشد که معلم مطابق موضوع درس مواد را تهیه مینماید (که این مواد شامل اشکال ، رسم ها و غیره میباشد) این مواد در جریان درس نشان داده شده و شاگردان آنرا می بینند و فکر خود را در کار انداخته و درس را شان دلچسپ میشود .

نکات مهمی را که معلم در اثنای تطبیق این روش در نظر داشته باشد قرار آتی است :

۱ - تمام شاگردان باید نمایش را ببینند .

۲ - با مواد نمایش آشنائی و معلومات کامل داشته و آنرا بشناسند .

۳ - چیزیکه نمایش داده میشود باید از فاصلهٔ دور قابل دید باشد .

۴ - در نمایش باید موادی استعمال شود که تهیهٔ آن آسان و ارزان باشد .

۱۷ - میتود سمعی و بصری : در این میتود تدارس عموماً به کمک رادیو ، ویدیو ، سلاید ها ، کارت ها ، عکس ها ، چارت ها و غیره وسایل صورت میگیرد .

ساحهٔ استعمال این میتود خیلی وسیع بوده عملیهٔ تدریس را مجسم ، دلچسپ و آسان میسازد .

۱۸ - میتود استقرائی : معلم در این میتود در تدریس خود از جزء بطرف کل میرود و در آخر نتیجه گیری

مینماید . بعضی معلم به اساس این میتود خودش درس را برای شاگردان ارائه نمی کند لیکن درس را جزءوار از شاگردان میپرسد . طوریکه شاگرد به نوبه خویش جزءاز درس را بیان کرده که به این ترتیب در اخیر شکل کل را اختیار می کند و به نتیجه میرسد .

در مضامین ساینس و ریاضی عموماً از جزء شروع شده و بالآخره به قاعده کلی منتهی شده و از آن به نتیجه میرسیم مثلاً اگر بگوئیم که سگ ، اسپ و پشک در وقت جویدن فک پائین خود را حرکت میدهند . از این طریقه در دوره صنوف بلند ، دوره ابتدائی و هم دوره صنوف ثانوی استفاده میشود .
همچنان با استفاده ازین میتود آموزش را از حروف شروع کرده به کلمه و از کلمات بجمله و از جملات با اخذ مفاهیم منتهی میگردد

۱۹ - میتود کلی : میتود کلی و یا قیاسی همان میتودی است که معلم را در تدریس از کل به جزء می برد . این طریقه برعکس طریقه استقرائی است . ازین میتود عموماً در کودکستان ها و دوره ابتدائی مکاتب ابتدائی استفاده میشود مثلاً اگر بگوئیم که هر جسم وزن دارد پس بدین نتیجه میرسیم که تمام اجسام مانند آکسیجن ، هایدروجن و تمام ذرات خورد و کلان وزن دارند .
اطفال خورد اشیاء را بصورت کل می بینند یعنی وقتی که برای اطفال در باره مرغ درس میدهیم در صورت امکان خود مرغ و یا تصویر مرغ را برای شاگردان باید نشان بدهیم و در پهلوی تصویر اسم مرغ را نشان بدهیم نه اینکه برای اطفال اعضای مرغ را بصورت جزءوار نشان دهیم مثلاً اول سر ، بعد سینه و بعد بال آنرا برای اطفال نشان دهیم و در اخیر مرغ را بطور کل برای اطفال نشان دهیم زیرا که این کار برای اطفال مشکل بوده و از جزء به کل نامیده میشود .

۲۰ - میتود لکچر (تشریحی) : در این اواخر میتود لکچر نسبت بهمه میتودها تحت انتقاد میباشد خصوصاً در مضامین ساینسی چندان مناسب نمیدانند باز هم به پیمانهٔ وسیع از این میتود در تدریس استفاده مینمایند عوامل این روش به معلم واضح و آشکار میباشد. در این میتود معلوماتی زیادی به شاگردان ارائه می گردد و تهیه مطلب آسان میباشد و این میتود عادت اکثر معلمین گردیده است. در این قسم میتود معلم در ساحهٔ علمی بالای مطالب حاکمیت دارد یعنی معلم آنرا بصورت صحیح میداند و احساس مینماید که شاگردان بر مطالب آگاهی حاصل نموده اند و به تجربهٔ سابقه خود ارتباط میدهد اگر فکر استاد در این حصه صحیح باشد این میتود از همه میتودها اقتصادی میباشد خصوصاً در صنوف که تعداد شاگردان در آن زیاد باشد در این میتود فعالیت یا عملیه تدریس یکطرفه بوده بعبارهٔ دیگر شاگردان در فعالیت های درسی آنقدر حصه نمی گیرند. به همین اساس مطالب که به شاگردان آموختانده میشود زود فراموش مینمایند دیگر محدودیت های این میتود آنست که معلم در اوقات تشریح پیشرفت شاگردان را ارزیابی کرده نمیتواند یعنی معلم فعال بوده چیزی را که میداند آنرا به ذهن شاگردان انتقال میدهد شاگردان در حال فعالیت بوده آنچه که عرضه میگردد قبولدار میباشند قسمیکه فعالیت معلم یکطرفه میباشد نمیتواند مطالب را که خودش میگوید ارزیابی نماید بنابراین علت امکان دارد مطالب غیر صحیح را بدلایل قناعت بخش تقدیم نماید روش مذکور جنبهٔ دکتاتوری دارد از خاطریکه معلم نظر خود را بالای شاگردان تحمیل مینماید. در این میتود ذهن شاگرد بشکل یک ذخیره میباشد که توسط آموزگار مملو میشود آموختن مطالب علمی در تغییر سلوک شاگرد مؤثر نبوده و شاگرد در فهمیدن مطالب تقدیم شده به مشکلات روبرو و مواجه میشود. شاگرد باید بخاطر یاد گرفتن مطالب از ذهن خود کار بگیرد و به شنیدن مکرر اشیای نامربوط را بذهنش انتقال میدهد طوریکه میتود لکچر به اندازهٔ زیاد در تعلیم و تربیه استعمال میشود به این اساس اکیداً توصیه میشود که به کمک روشهای دیگر این میتود را مؤثر سازیم یعنی شاگردان به تمام معنی در فعالیت حصه گیرند تا اینکه درس از حالت یکطرفه بیرون شود قسمیکه گفته شد در این میتود معلم مرکز فعالیت بوده و معلم نظر به شاگردان خیلی فعال میباشد. از این میتود تقریباً دو هزار سال قبل از امروز در روم

ویونان قدیم استفاده می شد وامروز در اکثر مناطق جهان قابل استفاده میباشد . دراین روش معلم در پیش روی صنف ایستاده شده درس را تشریح میکند نظر و توجه آن بطرف شاگردان میباشد یعنی از معلمین درس خود را به قسم سوال و جواب یا آنچه بالای تخته نوشته شده باشد پیش میبرد ویا از کدام وسیله دیگر (سمعی و بصری) استفاده می کند یعنی معلم گاه گاه از میتود که شاگرد مرکز فعالیت باشد استفاده می کند این میتود وقتی تدریس بهتر میشود که از هر دو میتود یکجا و همزمان استفاده شود. اگر معلم تنها از یک میتود استفاده نماید شاگرد با دهن باز، چشم پر خواب و دماغ خسته به لکچر گوش میگیرد و وقت را حساب مینماید که هر چه زودتر ساعت درسی تبدیل گردد معلم در تطبیق این میتود نکات آتی را باید در نظر بگیرد :

الف : این روش دور گردد که معلم بسیار سخنرانی نموده و شاگردان را فراموش نماید .

ب : قسمیکه در هر صنف سویه شاگردان یکسان نبوده شاید معلم در اثنای لکچر شاگردان لایق و نا لایق را فراموش کند .

ج : مشکل است که دراین میتود تجربه حقیقی برای شاگردان اجرا شود .

د : برای یک معلم مشکل است که توجه تمام صنف را درعین زمان نگهدارد .

معلم برای استفاده از میتود لکچر نکات آتی را درنظر داشته باشد :

۱- به تمام شاگردان توجه گردد نه اینکه به یک تعداد شاگردان توجه شود و دیگر شاگردان از نظر دور نگهداشته شوند .

۲- معلم در صنف یکجا استاده نشود بلکه جای و آواز خود را تغیر دهد یعنی گاهی بلند و گاهی آهسته سخن بزند و بعضاً هم به اشاره حرکات دست موضوع درس را روشن نماید .

۳- معلم باید سطح دانش شاگردان را در نظر داشته از سطح فهم و سویه آنها بلند لکچر ندهد .

٤- توسط آوردن مثال نکات مهم لکچر را روشن سازد .

۵ - در این میتود از چارت ها و دیگر مواد درسی استفاده نماید .

۶ - معلم در بین دو لکچر بی در پی تفریح کوتاه را در نظر بگیرد .

۲۱ - میتود تکرار : ازین میتود اکثراً در تدریس علوم دینی مانند قرآن کریم و غیره مضامین دینی کار گرفته می شود و همچنان معلم با استفاده ازین میتود بعد از تکمیل پروگرام درسی در اوقات معین سال تعلیمی و یا در اخیر سال تعلیمی شاگردان خود را به تکرار دروس شان آماده میسازد و خود معلم بحیث مشاهد بوده و آنها را کمک مینماید . اگرچه ممکن است که یک موضوع مشکل به یکبار تدریس معلم برای شاگردان قابل آموزش نباشد با استفاده ازین میتود چندین دفعه تکرار گردد . ازین میتود اکثراً در دوره های ابتدائی کار گرفته می شود .

۲۲ - میتود میخانیکی و حافظوی : ازین میتود بیشتر در مضمون قرآن کریم ، احادیث نبوی (ص) و دیگر موضوعاتی که هدف آن عموماً کلمه به کلمه و میخانیک حفظ کردن باشد استفاده می گردد . درین میتود محتویات درس توسط معلم بیان شده و بعد شاگردان آنرا کلمه به کلمه به حافظه می سپارند .

درین میتود - میتود تکرار رول مهم و ارزنده دارد .

قسمیکه قبلاً گفتیم میتود خوب آن میتودی است که اهداف ما را بدست آورده بتواند و برای این از میتود های کار بگیریم که شاگرد را به فعالیت بیاورد یعنی میتودی باشد که شاگرد در مرکز فعالیت قرار گیرد ، ازین سبب میتود های که شاگرد در آن سهم فعال داشته باشد همیشه موفق و کامیاب میباشد در سابق از میتود های کار گرفته می شد که تمام کار را معلم انجام میداد یعنی معلم مرکز فعالیت بود و این یک طریقه کهنه بشمار میرود مگر امروز در اکثر ممالک دنیا از میتود های کار می گیرند که شاگرد در مرکز فعالیت باشد فرق این دو نوع میتود را با مشخصات و صفات آنها ذیلاً بیان میداریم :

۵ - یَا اَیُّهَا الْمُدَّثِّرُ ط قُمْ فَاَنْذِرْ ه وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ه .

آیه ۱ - ۳ - سوره المدثر

ترجمه : ای لحاف پوشنده ، برخیز ، پس بترسان (مردم را به پند و نصیحت) ، و پروردگار خود را تعظیم کن (بزرگی پروردگارت را بیان کن) .

همچنین پیغمبر(ص) ، درباره فضایل و اوصاف معلم و عالم فرموده اند و بخود نسبت معلم را نیز داده اند .

۱ - اِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّماً الحدیث .

به تحقیق که من معلم فرستاده شده ام .

۲ - بعثت لِاُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْاَخْلَاقِ . حدیث

من به جهت اکمال رسانیدن اخلاق خوب فرستاده شده ام .

۳ - اَقْرَبُ النَّاسِ مِنْ دَرَجَةِ النُّبُوَّةِ اَهْلُ الْعِلْمِ وَاَهْلُ الْجِهَادِ . حدیث

ترجمه : نزدیک بدرجه نبوت مردمی است که عالم و مجاهد باشد یا مقام و درجه ای که به نبوت نزدیک است که عالم و مجاهد فی سبیل الله باشد .

٤ - مَنْ خَرَجَ فِيْ طَلَبِ الْعِلْمِ فَهُوَ فِيْ سَبِيْلِ اللهِ حَتّٰى يَرْجِعَ . حدیث

ترجمه : کسیکه به طلب علم از خانه بیرون شد تا هنگام مراجعت او در راه خداوند (ج) ، است (تمام رفتن آمدنش در حسنات حساب میگردد) .

۵ - اِنَّ الْمَلٰئِكَةَ لَتَضَعُ اَجْنِحَتَهَا رِضًا لِطَالِبِ الْعِلْمِ حدیث مشکوة

ترجمه : به تحقیق ملائک بالهای خود را بخاطر خوشی و تعظیم طالب العلم بزمین میگذارند .

از ارشادات مبارکه فوق مقام عالی و بلند معلم و عالم واضح میشود بطوریکه مقام و منزلت آن عالی و بلند است به همان اندازه مسئولیت شان زیاد و سنگین تر است ، باید تمام علما و معلمین باین نکته متوجه باشند که قول و فعل خود را به اصول و اساسات دین مبین اسلام موافق نمایند .

اگر قول و فعل خود را با اساسات و اصول اسلام موافق و برابر نسازند ، پس خدانخواسته تحت این

طریقه قدیم معلم بحیث مرکز تدریس (فعالیت)	طریقه جدید شاگرد بحیث مرکز تدریس (فعالیت)
١- تمام معلومات (علم و دانش) را معلم با خود داشته و شاگردان به یک طریقه می آموزند .	١- شاگردان بطور انفرادی فعال بوده و کار می کنند و نظریات ، احساسات ، تجارب و ضروریات شان را می گویند و عملی میکنند .
٢- شاگردان به هیچ چیز نمی فهمند و آموزش بقسم غیر فعال به آنها انتقال می یابد .	٢- معلم تنها حیثیت رهنما را داشته و به شاگردان هدایت میدهد . تمام کار و فعالیت را شاگردان انجام میدهند و دانش را آنها خوب انتقال میکند .
٣- به دماغ شاگرد فشار زیاد بوده و راجع به موضوع مثال های زیاد داده نمی شود.	٣- بدماغ شاگرد فشار کم بوده توسط مثال ها موضوع را درک می کند .
٤- تنها معلم فعال بوده و درس میدهد .	٤- تمام فعالیت را شاگردان انجام میدهند .
٥- سابق یک مطلب و یا یک موضوع بقسم میخانیکی از طرف معلم از روی کتاب و یا کاغذ خوانده می شد تمام شاگردان بیکار می ماندند بعداً یک شاگرد چوب را می گرفت و بدیگران تکرار میکرد و خود معلم آرام می نشست .	٥- به طریقه حالیه اولاً یک مطلب را بطور مثال (تصویر) یا بطور سوال ها واضح یا درباره آن یک مطلب ساخته میشود و این کار ذریعه خود شاگردان انجام میگیرد بشکل میخانیکی ندارد و شاگرد در آن حصه می گیرد .
٦- معلم پلان درسی منظم نداشت، مواد درسی هم موجود نبود و کدام ترتیب خاص وجود نداشت .	٦- استاد پلان درسی منظم داشته و مواد درسی را ترتیب و بکار می اندازد .
٧- معلم مرکز فعالیت بوده و به شاگرد وقت داده نمی شود .	٧- شاگردان مرکز فعالیت بوده و اکثر کارها را انجام میدهند .

۸- اطفال بحالت ترس بوده و درس را قسم میخانیکی می آموزند و کدام جنبهٔ عملی ندارد.	۸- اطفال ترس نداشته و درس بقسم میخانیکی نبوده شاگرد عملاً کار می کند.
۹- شاگرد از تجربه جبر میشود و تجربه برایش انتقال میشود.	۹- به شاگرد اشیای جدید، طریقه ها و مثال ها گفته میشود و تجربه برایش انتقال می یابد.
۱۰- به شاگرد خطابه یاد می شود و کار عملی را کم می کند.	۱۰- به شاگرد خطاب کمتر میشود می بینیم که چه یاد گرفته و عملاً کار می کند.
۱۱- اگر آموزش صورت بگیرد و یا نگیرد این مسئله به معلم کدام ارزش ندارد معلم درس خود را میدهد و به پیش میرود.	۱۱- آموزش بچه قسم خوب صورت می گیرد. به شاگرد موقع میدهد که او چیزی بیاموزد.
۱۲- به شاگردان چیزهای زیاد گفته میشود و آنها آموخته نمی توانند شاگردان ضعیف و تنبل بی بهره می مانند.	۱۲- به شاگرد چیزهای کم گفته می شود باید خود شاگرد فکر کند و فکر خود را بکار بیاندازد و مطلبی را یاد بگیرد.
۱۳- شاگردان تنها نشسته میباشند و مثال بیننده را دارند.	۱۳- شاگردان تنها نیستند بلکه همه مشترک و یکجا کار می کنند.

خلاصه اینکه شنیدن فراموش شدن، دیدن یاد شدن، و کردن فهمیدن است باید معلم درس خود را طوری عیار سازد که فعالیت های درسی شاگردان رو به افزایش باشد. بطور مثال اگر در درس خود از طریقه های ذیل کار بگیرد بسیار خوب و مؤثر میباشد مانند (سوال و جواب، کارگروپی، مسابقه، رول پلی، نمایش، مشورهٔ فکری و لکچر).

فصل پنجم

روانشناسی (روحیات)

روانشناسی چیست ؟

مقصد از تعلیم تنها تحصیل علم و محض دادن معلومات مخصوص به شاگردان نیست، بلکه مقصد اساسی و یا ارزش تعلیم، عبارت از علمی است که نافع باشد و سبب اکمال شخصیت، تربیه و رشد متوازن شاگردان گردد. وهمچنان در روشنی تعلیمات اسلامی رشد و تربیه سالم شاگردان میباشد.
در ساحه تعلیم و تربیه مرکز توجه ما کتاب و نصاب نبوده بلکه تکامل شخصیت مطلوب در اطفال میباشد.

سیستم تعلیمی که توسط آن شخصیت اطفال به طریق مناسب رشد نکرده و ایشان را در یک زندگی با هدف رهنمائی کرده نتواند، این چنین تعلیم از نگاه اسلام عبث و بی فائده است. ارشاد قرآن عظیم الشان در باره تعلیم چنین است (وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ) سوره بقره آیه ۱۲۹ یعنی قرآن کریم باوجود تعلیم، علم و حکمت تزکیه نفس انسان را هم میخواهد. به جز از اصلاح سیرت و کردار محض حاصل کردن علم بی فایده است.

برای تربیه صحیح و رشد مناسب شخصیت طفل و آماده ساختن محیط مناسب برای رهنمائی به موقع آنان ضروری است که ما از فطرت آن آگاهی داشته باشیم، علم صلاحیت های فطری، رجحانات، میلانات و دلچسپی های طفل را نیز داشته و از اصول اساسی رشد و نموی آنها خود را آگاه نمائیم وهمچنان طرق عمده تدریس را شناخته و بکار ببریم تا بر علاوه انتقال علم مفید، کردار و سیرت آنها را نیز اعمار کرده بتوانیم.

روانشناسی (روحیات یا نفسیات) علم موثر ساختن عملیه تذکره تعلیم و تربیه میباشد، روانشناسی

یا روحیات بکردار و فطرت انسانی متعلق است و فطرت انسانی را تشریح میکند. برای روانشناسی در

لسان انگلیسی اصطلاح سیکالوژی (Psychology) استعمال گردیده و این لفظ از دو کلمه

ترکیب شده است یعنی (Psycho) بمعنی روح و (logos) بمعنی علم بوده و معنی لغوی

سیکالوژی (علم متعلق بروح) است باید گفت که اینجا روح بمفهوم مذهبی آن استعمال نگردیده است

بلکه مراد از روح نفس یا فطرت است زیرا خداوند (ج) میفرماید: وَيَسْـَٔلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ ط

قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُم مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا بنی اسرائیل آیه ۸۵

ترجمه : و آنها از تو پرسند ای محمد (ص) که روح چیست تو برایشان بگو که روح یک امر الله تعالی است

و داده نشده است بشما علم مگر اندک .

از توضیحات فوق گفته می توانیم علمی که با فطرت انسانی سر و کار دارد یا آن علمی که فطرت و کردار

انسانی را تشریح میکند بنام روانشناسی یاد میگردد

روحیات تعلیمی :

یا روانشناسی تعلیمی یک قسمت بسیار مهم علم روحیات است که با فطرت، کردار و سلوک

طفل در محیط مکتب تعلق دارد . روانشناسی تعلیمی فطرت طفل را تشریح نموده و بواسطهٔ این علم تربیه متوازن

و عمده طفل بر آورده شده می تواند .

تعریف جامع روانشناسی اینست : روانشناسی تعلیمی علمی است که تغیرات عمومی را در وجود

طفل مطالعه نموده و طفل را از ابتدا، تولد الی مرحلهٔ جوانی و یا در مراحل مختلف رشد بررسی میکند. روانشناسی

تعلیمی از حالات و محیطی هم بحث میکند که به تربیه و رشد طفل اثر نیک و بد را مینماید . در جریان تحقیقات

و بررسی باین نتیجه میرسیم که موضوع خاص روانشناسی تعلیمی مطالعه فطرت انسانی ، کردار وسلوک آنست
روانشناسی تعلیمی طریق های را رهنمائی مینماید که بواسطه آن مقاصد واهداف تعلیم و تربیه بخوبی و شایستگی
بدست آمده می تواند همین قسم روانشناسی تعلیمی اختیار نمودن طرق وآماده ساختن محیطی را توصیه مینماید
که برای تربیه و پرورش شخصیت کامل مناسب ضروری و سازگار باشد .

بدون استفاده ازین علم اهداف تعلیم و تربیه به طرز خوب و موثر بدست آورده نمی توانیم پس مطابق
خواست های علم باید راجع بفطرت و کردار طفل معلومات موثق و مطلوب داشته و از قسمت های عمده
شخصیت و حالات مختلف آن آگاه باشیم .

شناخت شاگردان :

میدانیم که تعلیم و آموزش یک عملیه مرکب از تفکر ، درک ، احساس و عمل است و بهر اندازه که
حواس شاگردان در آن زیادتر دخیل باشد بهمان اندازه آموزش خوبتر صورت می گیرد اگر بخواهیم چیزی را
حسب خواسته خویش به شاگردان بیاموزانیم این کار از امکان دور است زیرا که شاگردان بشکل
سطل آب نیستند که بخواهیم آنرا از آب پر نمائیم فلهذا برای بدست آوردن مطلب مجبور هستیم تا اولاً شاگردان
را بدرس و آموزش آماده ساخته و بعداً برایشان درس را شروع کنیم حالا اگر به شاگردان درس بدهیم در
حالیکه آمادگی و تیاری قبلی آنانرا در نظر نگیریم این یک اشتباه و سهو بزرگ میباشد . بناءً استادان مجرب ،
عالم و ورزیده آنهائی اند که اطفال را قبل از تدریس برای درس آماده سازند یعنی تمام عوامل و حالات آنها را
اولاً به غور و دقت درک و ثانیاً در تغییر و مساعد ساختن این حالات تلاش نمایند . عواملیکه در آموزش
و تدریس نورمال و عادی شاگرد موانع ایجاد میکنند و از آموزش درست جلوگیری بعمل می آورد شده میتواند
که از خفگی ، گرسنگی ، مریضی ، معایب جسمی ، غصه ، ترس ، ضیقی (جای تنگ) نفرت ، خستگی ، حسادت

دکینه، شوخی و بی علاقگی، اصول تدریس ضعیف و غیره باشد یعنی طفل غمگین و خفه، گرسنه و مریض هیچگاه نمی آموزد پس لازم است که قبل از تدریس، عوامل متذکره دور ساخته شود و بعداً به تدریس آغاز گردد و همچنان حین تدریس، زمینهٔ پیش آمد خوب سلوک پدرانه و محبت باید در نظر گرفته شود. همچنان قبل از تدریس بشاگردان چیزی که اهمیت واررش دارد عبارت از شناخت شاگرد است، بهر معلم ضروری است که به اساس جواب ذیل شاگردان خود را بشناسد :

۱- عمر شاگرد

۲- سرپرست یا ولی شاگرد (پدر) : (سرپرست دارد یا یتیم است، مادر دارد یا مادراندر) .

۳- وظیفه سرپرست یا ولی .

٤- وضع اقتصادی شاگرد (ادنیٰ ، متوسط ، عالی)

۵- محل زندگانی و بود و باش شاگرد (شهر، قریه و خانه)

٦- فاصله بین خانه و مدرسه (دوری، نزدیکی ، وسایل نقلیه)

۷- آیا در خانه یا مسجد سبق خوانده است یا خیر؟ (آموزش قبلی)

۸- حالت صحی شاگرد .

۹- شناخت رفقای شاگرد

۱۰- در خانهٔ شخصی خویش زندگی میکند یا خانه کرائی یا بشکل همسایگی ؟ آیا در خانه آب مناسب و قابل نوشیدنی دارد یا خیر

۱۱- استعداد و دانش شاگرد (سویه)

۱۲- هیجانات شاگرد .

۱۳- علایق و دلچسپی های شاگرد

۱۴. اختلافات فردی شاگرد .

۱۵. زبان (پشتو ، دری ، .....)

باید گفت جوانب که باید معلم از آن در شناخت شاگرد آن آگاهی داشته باشد خیلی زیاد است امّا نکات مهم که راجع به آن در فوق تذکر داده شد قابل توجه معلمان محترم بوده و هریک را خوب تحلیل نمایند. قبل از آنکه شاگرد تحت تدریس قرار داده شود کوشش کنند که آنها را خوب بشناسند. معلم باید راجع به شاگردان معلومات همه جانبه داشته باشد تا تدریس وی بهدر نرود . اگر به مشکلات درسی معلمان نظر اندازی شود واضح میگردد که اکثر مشکلات از اثر عملی نکردن توضیحات و رهنمائی فوق الذکر سرچشمه میگیرد زیرا اکثراً معلمانی هستند که در بارهٔ شاگردان هیچ فکر نمی کنند و صرف درس خود را پیش می برند که از کار و فعالیت این چنین معلمان نتیجه قابل توجه و مثبت بدست نمی آید برعکس تعداد کم معلمان هستند که آنها قبل از تدریس به شناسائی شاگردان خود توجه مینمایند و در جریان تدریس استعداد ، ذوق ، علاقه و مزاج آنها را مدنظر گرفته فعالیت های درسی خود را به ارتباط خواست ها و دلچسپی های شاگردان عیار میسازند و بالاخره درس را بخاطر شاگرد میدهد ، نه اینکه شاگرد را بخاطر درس (در صورت اول هدف معلم رسانیدن شاگرد و در صورت دوم تکمیل پروگرام میباشد) یقیناً که اینچنین معلمان در وظایف شان موفق بوده از کار و فعالیت خویش ثمرهٔ بیشتری بدست می آورند .

غرض توضیحات بیشتر در قدم اول در بارهٔ آموزش و معلومات قبلی شاگردان و بعداً در بارهٔ فرق میان عملیه تعلیم و تربیهٔ اطفال و جوانان مثال می آوریم . شاگردان قبل از اینکه شامل مکتب شوند یک اندازه معلومات ، دانش و آگاهی میداشته باشند که بطور مثال در لسان و مضامین دینی فهمیدگی و دانش قبلی شان را بررسی میکنیم .

لسان

۱- سخن گفتن .
۲- گوش دادن
۳- بعضی حروف الفبا را هم نوشته کرده میتوانند
٤- بعضی حروف الفبا را می شناسند .
۵- بعضی از حروف الفبا را خوانده هم میتوانند
٦- کتاب و قلم را می شناسند
۷- بعضی از حروف الفبا را هیچ نخوانده اند

دنیات

۱- نام خداوند (ج)، را یاد دارند
۲- نام دین را یاده دارند
۳- نام پیغمبر (ص) را یاد دارند
٤- کلمه طیبه را خوانده می توانند
۵- وضو کردن و نماز خواندن را دیده اند
٦- آذان را شنیده اند .
۷- به مسجد رفته اند
۸- روزه گرفتن را می فهمند

یعنی یک معلم باید بداند که شاگردانش قبل ازینکه بمدرسه می آیند یکعده اشیا را می فهمند اگر به این نوع سوال روبرو شویم که خاطرات کدام مرحلهٔ عمر خوبتر بیاد مانده خواهد بود ؟ جواب آن این خواهد بود که از مرحلهٔ جوانی یا بعد تر از آن خاطرات مرحلهٔ طفلی فراموش شدنی میباشد واضح است که آموزش ایام جوانی و طفلی باهم فرق دارد یعنی میان آموزش اطفال و جوانان تفاوتی وجود دارد حالا شما بحیث یک مربی و معلم خوب دو گروپ شاگردان دارید (اطفال و جوانان) برای هر گروپ موضوع خاطرات « ماین » را چطور تدریس نمائید

اطفال

ماین یک چیز خراب است که انسان را می کشد خانه، موتر و هر شی را خراب میکند بدو قسم است ماین خورد و ماین کلان. ماین خورد آن برای

جوانان

ماین یکی از جملهٔ سلاحهای خطرناک است کشنده و تخریب کننده میباشد و بدو نوع است، ضد پرسونل و ضد تانک و موتر. ماین های ضد پرسونل از طیارات

کشتن آدم ها و چیزهای خورد و ماین کلان آن
برای خراب کردن موتر ها و چیزهای کلان
میباشد ماین های خورد را تیت میکنند و ماین
های کلان را گور میمانند که دیده نشوند. چیزهای
پاش داده شده و تیت شده را بهر رنگ
که باشد نگیرید مانند قلم، ساعت، چیزهای
بازی وغیره

و تانک ها و موتر ها پاشیده میشوند. ماین های ضد
تانک در زمین ها جا بجا میگردند هر کدام این
دو نوع ماین ها دارای انواع مختلف میباشد
باین سبب باید از اشیای مشکوک و اشتباهی خود
را نگاه کنیم.

از اظهارات فوق به این نتیجه میرسیم که میان اطفال و جوانان در عملیه تعلیم و تربیه تفاوتی وجود
دارد که این فرق و تفاوت قرار ذیل بیان میگردد.

اطفال	جوانان
١- اطفال تابع دیگران میباشند	١- جوانان نسبت به اطفال مستقل میباشند
٢- اطفال باید آن چیزها را بیاموزند که به آن ضرورت دارند.	٢- چیزهایی را که جوانان میخواهند بیاموزند در مورد به ایشان کمک شود.
٣- اطفال مستقیماً از معلمان خود می آموزند	٣- جوانان تنها از معلمان نمی آموزند بلکه از یکدیگر خود نیز می آموزند
٤- معلمان تصمیم میگیرند که اطفال چه بخوانند و چه بیاموزند؟	٤- جوانان خودشان تصمیم میگیرند که چه بخوانند و چه بیاموزند
٥- برای اطفال کتاب مرکز آموزش میباشد	٥ برای جوانان حل پرابلم ها و مشکلات محل آموزش است

۶- اطفال بخاطر آینده شان می آموزند، یعنی طفولیت یک مرکز آمادگی است

۶- جوانان برای (حال) می آموزند، یعنی چیزهایی که حالا به آن ضرورت دارند میخواهند به آن بپهمند و بیاموزند.

مراحل رشد و انکشاف تربیتی طفل

مراحل تربیه و پرورش :

اگر خوب دقیق شویم می بینیم که طفل در هفت سال اوّل عمر خویش برای پدر و مادر مانند پادشاه است و والدین مجبور هستند که خواهشات آنرا بطور صمیمانه اجرا نمایند. در هفت سال دوم عمر (۸-۱٤ سالگی) غلام، خدمتگار و فرمانبردار محض بوده و مانند برادر خوب چنان میباشد که از خود هیچ نوع مخالفت را نشان نمیدهد و این دوره برای تربیت آن خیلی خوب و مساعد است.

در هفت سال سوم عمر (۱۵ - ۲۱ سالگی) نه پادشاه میباشد و نه غلام دگر او بمرحله تکامل خود رسیده میباشد و از روی عقل و احساسات در زندگی آزاد واقع گردیده است ازین سبب وی باید در خانه مانند یک مشاور باشد و در امور خانه از آن مشوره و رأی گرفته شود و از رأی مثبت آن باید استفاده شود، اشتباهات و غلطی هایش بشکل دوستانه اصلاح گردد. زمانیکه بسن (۲۱) سالگی میرسد و صاحب اخلاق نیک میشود، اینجاست که تربیه کننده به هدف خود رسیده است و ازین حالت بسیار سرور و لذت می برد. پس میتوانیم که تربیه را به دو مرحله تقسیم کنیم.

وعید الهی قرار می گیرند که :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ، كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ.

سوره الصف آیه ۲-۳

ترجمه : ای مؤمنان چرا می گوئید آنچه نمی کنید ، بزرگ است از روی خشم نزد الله جل جلاله آنکه بگوئید چیزی را که نمی کنید .

به همین سبب معلم باید از نظر اخلاق اسلامی کاملاً یک نمونه باشد و چیزی را که به شاگرد جهت تربیت اسلامی تقدیم می کند ، اولاً بالای خود عملی نموده و بعداً برای دیگران پیش کش نماید یعنی اینکه داعی در عمل باشد نه اینکه تنها داعی در قول . طوریکه خداوند جل جلاله فرموده است :

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ . ؟

سوره بقره آیه (٤٤)

ترجمه : آیا امر می کنید مردم را به نیکوئی و فراموش می کنید نفسهای خود را ، حال آنکه شما میخوانید کتاب را (قرآنکریم) ، پس چرا فکر نمی کنید .

استادان گرامی ! طوریکه خود را به اخلاق و معیارهای اسلامی آراستن یک امر ضروری میباشد به همین ترتیب در پهلوی تعلیم شاگردان باید در جهت تربیه آنها هم کوشش مزید توجه صورت گیرد ، چون شاگردان همیشه از اعمال استادان خویش تقلید می کنند ، و مثال آن مانند : چهره موم است در چهره هر نقش و جا پیکه باشد در موم ظاهر می گردد . به همین قسم شاگردان سعی بخرچ میدهند تا اعمال و کردار خود را به عملکرد معلم خویش عیار نمایند و این کار به تجربه هم ثابت شده است .

I - مرحله اوّل :

این مرحله به ۲۱ سال زندگی ارتباط دارد . در این مرحله مسئولیت والدین نسبت به اولاد بسیار سنگین است. این دوره از نظر خصوصیات رشد به سه دوره تقسیم شده است که هر دوره نظر به داشتن خواص خویش به تربیه جداگانه ضرورت دارد پس وظیفه والدین و معلمین است که برای هر دوره طفل تعلیم و تربیه خاص را در نظر داشته باشند. سه دوره نامبرده هرکدام به ترتیب به سه قسمت کوچک دسته بندی میشود زیرا که از نقطه نظر تعلیم، فهم و دانش طفل از یک الی سه سالگی او فرق دارد بهمین قسم مدت بین سنین ۵ ، ۶ و هفت سالگی از نقطه نظر تعلیم و تربیه با مدت سنین ۸ ، ۹ و ۱۰ سالگی او فرق دارد . بهمین تفاوتها ادامه پیدا می کند تا اینکه از عمر ده سالگی به سن ۲۱ سالگی میرسد .

II - مرحله دوم :

این مرحله از اواخر ۲۱ سالگی تا پایان عمر است در این مرحله انسان خودش مسئول جان خود بوده و باید خودش در قسمت ساختن شخصیت خویش بکوشد باید گفت که اجتماع و محیط هم به نوبه خود در این دو مرحله در قسمت تربیه آن وظیفه دارد بطور عموم میتوان گفت که والدین ، مربی و اجتماع در قسمت ساختن و حفظ انسان بطرف صراط المستقیم مسئولیت بسیار سنگین دارند . از نظر اسلام میتوانیم بگوئیم که ۲۱ سال اول زندگی دوره اجباری تعلیم و تربیه میباشد که این به نزد الله تعالی حقوق اولاد بالای والدین است تا در قسمت تعلیم و تربیه آنها زحمت بکشند و به اجتماع افراد نیک ، صالح و اعضای برجسته تقدیم نمایند . و اگر با وصف کوشش نتیجه مطلوب بدست نیاید پس پدر و مادر به نزد خداوند ج مسئول نخواهد بود . با وجودیکه این دوره طولانی انتخاب شده ولیکن از واقعیت دور نبوده زیرا در اسلام به آن توجه شده که تا آخر این دوره برای سپری کردن زندگانی خود بطور مستقل آمادگی نداشته ولی تواند که تنهائی بدون رهنمائی و همکاری بزرگان و والدین مسایل

متعلق به خود و اجتماع را حل نماید .

این نظر دین مقدس اسلام اساس بسیار عمیق و معقول داشته که سایر جوامع و صاحب نظران افکار و مکاتب فکری دیگر نیز ازین نظر استفاده کرده اند بطور مثال در قانون مدنی فرانسه حد آخر بلوغ برای دختران (۱۸) سال و از پسران (۲۱) سال قبول نموده اند و توجه و نظارت پدر و مادر را شرط دانسته اند خوشبختانه در اسلام تحت سرپرستی والدین به جوانان آزادی اقتصادی و اجتماعی داده شده است و اگر بمرحله رشد و پختگی رسیده باشند می توانند در مسایل سیاسی اشتراک نمایند ، قوماندان میدان جهاد باشند ، مشوره بدهند و تصمیم بگیرند .

در مرحله دوم زندگی یعنی از آخر ۲۱ سالگی تا پایان عُمر بعضی مسایل و حالات مطرح است که بالای زندگی اشخاص یکنوع اثر را رونما میسازد و با گذشت زمان محیط و دیگر امکانات آنها را تغیر میدهد ازین سبب باید عامل عمده و بزرگ تحفظ عقیده صحیح و افکار عالی باشد و آنرا از حالت سقوط و شکست نجات دهد . این دوره را می توانیم به سه دوره بزرگی ، پختگی و پیری تقسیم کرد که هر دوره آن به خود تقاضا ها و خواسته های وارد و انسان در آن دارای یکنوع روحیه ، روش و تفکر خاص میباشد . اقسام تجارب ، معلومات ، اندازه معلومات ، آگاهی وضع اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی که انسان در هر حال با آن روبرو است در طریقه و روش زندگی او اثر می اندازد . در جدول ذیل مراحل رشد و تکامل انسان را غرض استفاده بیشتر و روشن شدن خوبتر موضوع بالترتیب طی دقیقه های کوتاه ملاحظه کرده می توانیم .

شماره	مراحل و دوره ها	عُمر
۱	دوره کودکی	از تولد الی سه سالگی
۲	دوره اوّل طفولیت	از سه سالگی الی ٦ سالگی

۳	دوره دوم طفولیت	از ٦ سالگی الی ۹ سالگی
٤	دوره بلوغ ونوجوانی	از ۹ سالگی الی ١٤ سالگی
۵	دوره جوانی	از ١٤ سالگی الی ١٨ سالگی
٦	دوره پختگی جوانی (کبارت)	از ١٨ سالگی الی ٢۵ سالگی
٧	دوره رجلیت	از ٢۵ سالگی الی ٤٠ سالگی
٨	دوره میان سالی (ریش سفیدی)	از ٤٠ سالگی الی ٦٠ سالگی
۹	شروع کهن سالی (کهنگی)	از ٦٠ سالگی الی ٧٠ سالگی
١٠-	کهن سالی اصلی (پیری)	از ٧٠ سالگی الی مرگ .

چرا برای شاگردان درس میدهیم ؟

تعلیم علم بر ما فرض است و در دین مقدس اسلام مقام بس عالی دارد يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا ط سوره بقره آیه ۲۶۹

ترجمه: الله (ج) میدهد دانش (علم نافع) هرکرا خواهد و هرکرا داده شد دانش هر آینه داده شد نیکوئی بسیار. در مسجد قبا دو گروه اصحاب کرام یکی به ذکر و دیگر آن به تعلیم مشغول بودند، درین وقت حضرت محمد ص تشریف آورده و به آنها سلام دادند هر دو گروه را تحسین نموده و خود آنحضرت ص در حلقهٔ کسانیکه مشغول تعلیم بودند نشسته و فرمود که هر دو گروه کار خوب میکنند ولی من معلم فرستاده شده ام (إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا)

چطور درس داده شود ؟

در تدریس لهجهٔ نرم و مهربانی اثر زیاد دارد. حضرت رسول اکرم (ص) فرموده اند لِيِّنُوا لِمَنْ تُعَلِّمُونَ وَلِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ ط یعنی نرم و مهربان باشید به آن کسی آنرا درس و تعلیم میدهید و از آن کسیکه درس میخوانید .

چه چیز باید درس داده شود ؟

آن چیزها درس داده شود که شاگردان به واسطهٔ آن به وحدانیت الله (ج)، و به رسالت حضرت محمد ص وانبیا علیهم السلام، به اساسات دین، اوامر و نواهی خداوند (ج) آگاهی پیدا نمایند، از علم نافع برای زندگی خود و دیگران فایده شرعی بگیرند و در نتیجه خدمتگاران دانشمند و صادق به جامعه تقدیم کنند .

کی را باید درس داده شود ؟

اولاً باید زمینهٔ تعلیم و درس دادن برابر شده و شاگردان پس از مطالعهٔ جسمی و روحی تحت تدریس گرفته شوند .

موانع و مشکلات را از بین برده و بعداً بطریقهٔ مناسب و خوب درس داده شود .

فصل ششم

مواد درسی

آن اشیای سمعی و بصری و وسائلیکه غرض بدست آوردن هدف درسی ، معلمین و شاگردان را کمک میکند مواد درسی محسوب میگردد .

ویا بعبارهٔ دیگر آن اشیا و وسائلیکه در آموزش به معلم و شاگرد تسهیلات فراهم سازد بنام مواد درسی یاد می شود . مثلا یکنفر میخواهد که ۲۰ کیلو متر مسافه را در یکساعت طی نماید اگر نامبرده پای پیاده برود کم از کم (۳) ساعت وقت را در بر میگیرد ، اگر از وسایل استفاده کند در وقت کم بمنزل میرسد مثلا وسایل مختلف را در نظر بگیریم ، اگر از بایسکل استفاده کند ممکن در یکساعت بمنزل برسد و اگر از موتر کار بگیرد ممکن نیم ساعت (۳۰) دقیقه را در بر بگیرد . ولی اگر بخاطر حل مشکل خود از تلفون استفاده کند امکان دارد در یکدقیقه به هدف خود نایل آید .

اگر به مثال های فوق متوجه شویم پس هویداست که وسایل ما را در وقت کم به هدف میرساند . ازین لحاظ در تدریس خود اگر از وسایل و مواد یکه ما را به آسانی و وقت بسیار کم به هدف رسانده بتواند باید کار بگیریم .

در انتخاب مواد درسی باید نکات ذیل را در نظر گرفت :

۱- مواد درسی باید ساده (آسان) و ارزان باشد .

۲- مواد درسی مطابق موضوع درس تهیه شود .

۳- مواد درسی از هر نقطه صنف باید دیده شده بتواند .

مثلاً : در تدریس مضمون اجتماعیات که عناوین آن جزیره ، آبنا ، خاکنا وغیره موضوعات مانند آن باشد شده می تواند از مواد محیطی آب و خاک استفاده شود . ویا اینکه از سنگ ها ، حواری ، لوبیا ، قلمها وازچوب های خورد ، خورد استفاده بعمل آید ، وهمچنین برای ساختن جوت از پوسیدگی های درختان که بقسم چوب کارک نرم میباشد استفاده شود .

مابحیث معلم می بینیم که تدریس بدون مواد بسیار فرق دارد حتی بعضی اوقات تدریس بدون مواد سخت ومشکل میشود قسمیکه مواد درسی در تدریس رول مهم دارد لذا برای بدست آوردن اهداف خود باید ازمواد خوب و مؤثر در تدریس استفاده بعمل آید . تهیه وانتخاب مواد با ابتکار ، معلومات مسلکی ، شرایط محیطی و به موضوع درس ارتباط دارد .

مواد درسی ایکه معلم وشاگرد در موقع تدریس از آن کار می گیرند عبارت اند از : کتاب و قلم ، تخته تخته پاک ، تباشیر ، گل سفید ، رنگ قلم وغیره .

اقسام مواد درسی :

مواد درسی بدو قسم میباشد : استهلاکی وغیر استهلاکی .

۱- استهلاکی : مانند تباشیر ، کاغذ ، رنگ ، گل سفید وغیره .

۲- غیر استهلاکی : مانند تخته ، تخته پاک ، چارت ، نقشه ، فلش چارت ، کارت ، فلش کارت ، تصویرها ، مودلها ، خلص موضوع ، گراف ها ، پوسترها ، سلایدها ، فلم ها و پروجکتور که این مواد اکثراً از طرف تعلیم وتربیه به مکاتب تهیه وارسال میگردد (۱)

---

(۱) اگر رضای خداوند بود مواد مانند سلاید پروجکتور وفلم را نیز در افغانستان اسلامی آزاد وآباد استعمال خواهیم نمود .

چارت : آن مواد بصری است که موضوع درس را بشکل الفاظ، جملات وکلمات توضیح میسازد.

فلش چارت : آن مواد بصری است که موضوع درس را بشکل تصویر واضح میسازد.

کارت : آن مواد بصری است که جزء یک موضوع را بشکل کلمه یا لفظ نشان میدهد.

فلش کارت : عبارت از مواد بصری است که جزء یک موضوع را بواسطه یک شکل یا تصویر واضح میسازد

تصویرها : بخاطرایکه موضوع به شاگردان دلچسپ و روشن شود معلم از آن در وقت تدریس استفاده می کند. معلم در مورد تصویرها این طور فکر نکند که هرکس با آن آشنائی دارد تعداد زیاد مردم هستند که درباره تصویرها سخن زده نمی توانند.

مودلها : مودل درلغت نمونه راگویند و در اصطلاح جسم ساخته شده مصنوعی یک چیز راکه بشکل اصلی آن ساخته شده باشد گفته میشود.

مقصد اساسی مودلها این است که برای شاگردان قبل از عملی نمودن کار، تجارب و تمرینات آماده کرده شود. مثلاً اگر موضوع درس، دماغ انسان باشد لذا معلم میتواند از مودل دماغ استفاده نماید و همچنین در مضامین کیمیا، بیولوژی و فزیک درأثنای تدریس از مودلهای گوناگون کار گرفته می تواند. طوریکه مودلها به آسانی پیدا شده نمی تواند و هم قیمتی میباشد باید از طرف معلم برای شاگردان از مواد محیطی ساده مودلها ساخته و در موقع تدریس از آنها استفاده نماید.

خلاصه موضوع : مواد درسی یکی از راه های بهتر ساختن تدریس است که معلم با در نظر گرفتن نکات عمده درس بطور خلاصه بروی کاغذ نوشته و استعمال مینماید. باید هر معلم در خلاصه کردن موضوع نکات آتی را در نظر داشته باشد :

۱- بالای تمام موضوع بشکل مختصر روشنی باید انداخت.

۲- نکات عمده را باخود یاد داشت نماید.

۳- به اشکال و تصاویر در آن جای بدهد .

٤- موضوعات را مسلسل و به شکل منظم کوتاه سازد .

۵- بزبان ساده بنویسد .

٦- درصورت ضرورت گراف ها را ترسیم نماید .

گرافها : از گرافها غرض نشاندادن کمیت و کیفیت موضوع کار گرفته می شود و زیادتر در احصائیه وطب مورد استفاده قرار می گیرد . به همین ترتیب به آسانی تعداد یک چیز، وقت، مقدار، عمر و وزن به شکل گراف نشان داده میشود .

پوسترها : اشکال و تصاویر که بروی کاغذ رنگ های مختلف ساخته شده باشد پوستر نامیده میشود . پوستر شده میتواند یک یا چند تصویر داشته باشد لیکن معلم باید کوشش کند پوستر که از یک موضوع خاص نمایندگی کند استعمال نماید .

نقشه ها : نقشه از جمله مواد درسی بوده که بروی کاغذ ترسیم شده باشد و در موضوعات جغرافیائی، کارهای ساختمانی و انجنیری بکار برده میشود .

سلایدها : عبارت از شیشه های منظم مستطیل، یا مربع شکل میباشد یا یک لوحه شفاف پلاستیکی یا شیشه ای است که نور از آن عبور کرده می تواند .

سلایدها در واضح کردن یک موضوع رول مهم دارد، درطب در لابراتوار کیمیا و بیولوژی برای معاینات مایکروسکوپی زیاد استعمال میگردد .

فلمها : از صحنه های حقیقی و مصنوعی زندگی گرفته شده و دوباره بروی پرده نشان داده میشود .

پروجکتور : آن ماشین است که میتواند سلاید عکاسی شده یا رسامی شده و چیزیرا که بروکاغذ نوشته یا ترسیم شده باشد بروی دیوار یا پرده چند برابر بزرگ و واضح نشان دهد .

خلاصه اینکه بدون مواد درسی، تدریس نتیجه مکمل نداده زیراکه :

شنیدن فراموش شدن است

دیدن یاد گرفتن است

عمل کردن دانستن است .

نکات اساسی اینکه آموزش بصورت عملی در مکتب با شاگرد کمک میکند تا معلومات حاصلاتش را درخارج از مکتب برای زندگی روزمره بکار گیرد هنگام استفاده مواد درسی باید درنظر گرفته شود عبارت است از :

۱- تنها آن مواد مورد ضرورت و مناسب که تحت استفاده معلم با شاگردان یک گروپ قرار میگیرد درصنف آورده شود . این مواد باید علاقه شاگردان را بخود جلب نماید و اعضای گروپ را بفهماند آنرا انتخاب و قبول کرده بتوانند یعنی مواد درسی و لوازم طوری باشد که با شاگردان در مسایل آموزش کمک کند . مواد درسی وقتی موثر و مفید واقع میشود که در واضح ساختن معنی یک درس و یا مفاهیم که معلم و شاگردان در جستجوی آن میباشند کمک کرده بتواند .

۲- مواد درسی برای مقاصد مختلف و بطرق گوناگون استعمال شده میتواند مواد درسی جهت بحث و مناقشه میان شاگردان درصنف بکار برده میشود و باعث دلچسپی و علاقه مندی شاگردان میگردد و آنها را جهت مطالعه بیشتری تشویق مینماید

۳- پس ازآن که ازمواد درسی استفاده بعمل آمد باید با احتیاط زیاد نگهداری گردد تا درآینده نیز ازآن استفاده شده بتواند .

فصل هفتم

امتحان و ارزیابی

۱- **امتحان** : هدف تعلیم و تربیه این است که برای فرد یا افراد کار مفیدی انجام یابد کار مؤثر تر و مفید را وقتی انجام داده می توانیم که درباره فرد یا افراد معلومات کافی داشته باشیم به طور مثال: اگر ببینیم که یک شاگرد در مضمون ریاضی در عملیه جمع مشکلات دارد درینصورت لازم است که یک سلسله معلومات داشته باشیم تا ما را در تصمیم گیری حل مشکلات یاری نماید. بهر اندازه که راجع به فرد یا افراد معلومات ما زیاد باشد به همان اندازه تصمیم ما درباره آنها صحیح تر و معقولتر میباشد. یا به عبارهٔ دیگر هر اندازهٔ که ما فرد یا افراد را خوب بشناسیم به همان اندازه در حصهٔ رفع مشکلات آنها فیصلهٔ ما عاقلانه تر خواهد بود. هدف از شناخت افراد تعریف و توصیف جامع و درست شان است.

در حقیقت امکان میسر میشود که در مورد سلوک آیندهٔ آنها تصمیم معقول بگیریم. تدبیر معقول و سنجیده درباره رفتار و سلوک ضرورت جمع نمودن شواهد علمی دارد. شواهد علمی متکی بر سنجش ها و اندازه گیری دقیق و موثق میباشد

امتحان یک وسیله خاص اندازه گیری است که در آن جوابات شخص امتحان دهنده (کسیکه امتحان درباره اش تطبیق میگردد) برای اندازه گیری استعمال میشود. امتحان در لغت بمعنی آزمودن، سنجش و یا سنجیدن خوبی و بدی بوده و در اصطلاح عبارت از یک عمل منظم و کنترول شده ایست که به منظور تطبیق اهداف تعلیم و تربیه برای مشخص ساختن پیشرفت های تربیوی افراد استعمال میگردد. به عبارت دیگر امتحان عملیه ایست که به منظور معلوم نمودن تطبیق اهداف تربیوی و بدست آوردن آنها انجام میشود. همچنین آزمایش معلوم نمودن سطح دانش شاگردان توسط معلم یا ممتحن، بنام امتحان یاد میگردد. امتحان در طول سال تعلیمی دو یا سه مرتبه توسط

معلم و تدریس

اگر بعضی مشخصات و صفات را بیان کنیم و یا یک قالب محدوده خاص را در نظر بگیریم و پس از آن یک شخص مطابق محدوده و حرکات مرتبه خود را عیار نماید و هم تمام شرایط آنرا بالای خود قبول و عملی سازد تا بتوانیم وی را بنام معلم یاد نمائیم .

پس برای اینکه به وظیفه مقدس معلمی بصورت خوبتر آشنائی پیدا نمائیم در قدم اول معلم را باید بشناسیم که مربی (معلم) کیست ؟

تعریف معلم :- در مورد معلم علما تعریف های زیادی نموده اند که بعضی از آنها را قرار ذیل مینگارم :

I -معلم کسی است که در آموختن درس به شاگردان کمک می کند ، بطور مثال :

الف :- جهت آموزش امکانات و منابع را تهیه می کند .

ب :- جهت آموزش زمینه را مساعد میسازد .

ج :- طریقه آموزش را نشان میدهد .

II - معلم کسی است که آموزش به کمک او بصورت فردی و دسته جمعی انتقال می یابد و در سلوک و روش شاگرد تغیر مطلوب و مثبت را رونما میسازد .

وظیفه معلم نسبت به وظایف افراد دیگر جامعه مهم و حساس میباشد زیرا که معلم غرض تربیت افراد سالم ، بوجود آوردن خصوصیات مطلوب و بالآخره در ساختن اشخاص سالم و مفید در جامعه مسئولیت دارد پس معلم در موقع تدریس نکات ذیل را در نظر داشته باشد :

III -معلم کسی است که با استفاده از اصول تدریس معلومات خود را به دماغ شاگردان انتقال میدهد.

الف : برای چه تدریس و رهنمائی می کند (هدف) ؟

ب : چه را تدریس مینماید (موضوع) ؟

معلم یا تحت نظارت اداره مدرسه و یا مقام بلند پایه تعلیم و تربیه بصورت رسمی انجام می یابد.

امتحان عموماً در یک وقت معین اخذ می گردد.

اهداف امتحان :

اهداف امتحان در امور تربیوی بر دو اصل متکی است :

۱- بهتر ساختن وضع تدریس.

۲- درجه بندی شاگردان بر اساس پیشرفت آنها.

اگر هدف از گرفتن امتحان فقط بهبود فضای مناسب باشد، پس در هدف اخذ امتحان نکات ذیل شامل شده میتواند

۱- تولید انگیزه برای آموزش مطلوب.

۲- پیدا نمودن نکات قوی و ضعیف شاگردان بمنظور اصلاح آنها.

۳- گروپ بندی شاگردان یک صنف نظر به سویه علایق و مشکلات مشترک شان.

٤- پی بردن بحقایق که مهم شمرده میشود و معلم توسط نشانی آنها را قابل اهمیت میداند.

۵- تشویق و ترغیب شاگردان در فراگرفتن خصوصیات مانند عمومیات البته درصورتیکه معلم بخصوصیات اهمیت و توجه خاص داشته باشد.

٦- پیدا کردن سویه و درجه دانش شاگردان در صنف جهت بدست آوردن اهداف معین.

۷- بمیان آوردن اصلاحات در پروگرام های درسی.

۸- رهنمائی معلم جهت موثر ساختن روش های تدریس.

۹- ارزیابی اهداف عمومی و خصوصی تدریس برای آموزش شاگردان از نگاه مقادیر آموزشی.

درصورت دوم یعنی وقتیکه هدف درجه بندی شاگردان بر اساس تحصیل و تعلیمات شان باشد درینصورت اهداف امتحان امکان دارد قرار ذیل باشد :

۱- انتخاب نمودن شاگردان به اساس لیاقت شان در مسایل رقابتی مانند: پوهنتون، مؤسسات عالی یا استخدام در امورات دولتی وغیره.

۲- ارتقاء شاگردان از یک صنف به صنف بالا.

۳- مقایسه یک گروپ شاگردان با گروپ دیگر.

٤- تعیین وتشخیص نمودن اختلافات فردی در بین شاگردان.

۵- مقایسه یک شاگرد با اعضای گروپ آن.

٦- باخبر شدن از حالت ارتقاء وپیشرفت شاگردان.

اقسام امتحان: برای خلاصه نمودن وآموزش معلومات، تصنیف و دسته بندی آن راه خوبی جهت آسان ساختن آن میباشد.

علماء کوشیده اند که امتحان ووسایل ارزیابی تربیتی را با خصوصیات مشترک وجداگانه شان در نظر گرفته وتصنیف نمایند.

نامگذاری امتحان وتقسیمات آن از نگاه معیار های قبول شده باهم فرق دارد که طور ذیل ذکر شده است

۱- امتحان از نگاه جای ومحل صدور آن: اگر جای ومحل صدور آن معیار گرفته شود امتحان به دو حصه تقسیم میشود.

الف: امتحان خارجی

ب: امتحان داخلی

۲- امتحان از نگاه وقت وزمان: از نگاه معیار وقت امتحان به سه حصه تقسیم میشود.

الف: امتحان سالانه.

ب : امتحان ماهانه

ج : امتحان هفته وار

۳- ازنگاه ماهیت و چگونگی جوابات : ازین لحاظ امتحان به سه حصه تقسیم شده است .

الف : تحریری

ب : تقریری

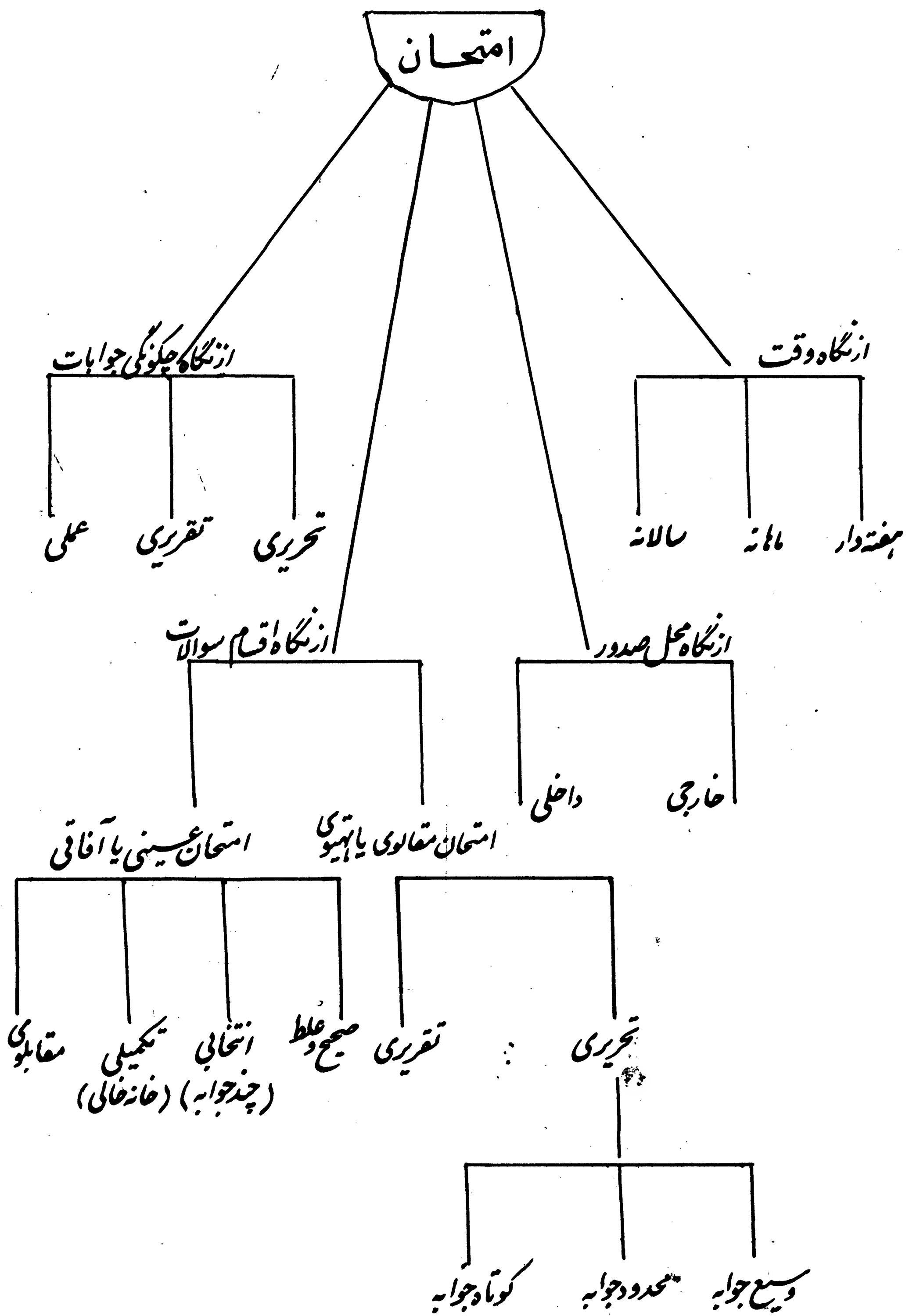
ج : عملی

۴- ازنگاه اقسام سوالات : اگر ما حتمان سوالات تحت نظر گرفته شود امتحان بقرار ذیل تقسیم میشود

الف : مقالوی (تهیوی) یا تشریحی

ب : عینی (آفاقی) یا امتحان مختلط

ما قسم چهارم یعنی امتحان را ازنگاه سوالات طور مفصل تحت بحث قرار میدهیم .


امتحان
ازنگاه وقت
هفته‌وار
ماهانه
سالانه
ازنگاه محل صدور
خارجی
داخلی
ازنگاه اقسام سوالات
امتحان مقالوی یا تهیوی
تحریری
تقریری
وسیع جوابه
محدود جوابه
کوتاه جوابه
امتحان عینی یا آفاقی
صحیح و غلط
انتخابی
(چندجوابه)
تکمیلی
(خانه‌خالی)
مقابلوی
ازنگاه چگونگی جوابات
تحریری
تقریری
عملی

اقسام امتحان به اساس انواع سوالات :

الف : **امتحان مقالوی** : این نوع امتحان یکی از کهن ترین سیستم های ارزیابی بوده و نظر به بعضی نواقصی که دارد فعلاً جای خود را به امتحان عینی داده است. در امتحان مقالوی شاگردان به اساس روش تحریری خویش جواب ها تهیه مینمایند. این نوع امتحان جهت معلوم نمودن لیاقت شاگردان وتنظیم مواد بسیار مفید میباشد. در این نوع امتحان تعداد سوالات نظر به امتحان عینی بسیار کم اما شکل عمومی را دارا است. ساختن سوالات این امتحان بسیار آسان بوده اما نمره دادن آن کار بسیار مشکل میباشد. کیفیت امتحان و نمره دادن به مهارت نمره دهنده تعلق دارد به تجربه ثابت شده است که پارچهٔ مضمون تاریخ را (۱۱۵) نفر معلمین ملاحظه نموده اند که نمره دهندگان هرکدام نمره های مختلف داده اند که پائین ترین نمره (۴۵) و بالاترین آن به (۹۰) میرسید. بهمین ترتیب یک پارچه هندسه را (۱۱۵) نفر معلمین ملاحظه نمودند که پایان ترین نمره (۲۸) و بلند ترین نمره آن به (۹۲) رسیده است. در این نوع امتحان چیزی مهم وضاحت امتحان میباشد تا اینکه شاگردان دچار اشتباه نگردند.

اقسام امتحان مقالوی :

امتحان مقالوی به دو نوع است: تحریری ، تقریری .

امتحان تحریری به نوبه خویش به سه نوع است : (الف) امتحان جواب وسیع (مقالوی طولانی)، (ب) امتحان جواب محدود، (ج) امتحان جواب کوتاه .

الف : **امتحان تحریری جواب وسیع** : جوابات این نوع سوالات نامحدود میباشد که در نتیجه کنترول جواب بسیار مشکل است. این نوع سوالات از نگاه ماهیت شکل عمومی را دارا میباشد .

مثلاً : رول معلم و مواد درسی را در تدریس تشریح کنید؟ یا درباره زکات معلومات خود را بنویسید ؟

به شاگردان اجازه میدهد که در انتخاب معلومات واقعی و ترتیب و تطبیق این معلومات در تهیه جوابات آزادی تام داشته باشد . این ترتیب امتحان جواب وسیع برای اندازه گیر هرگونه آموزش عمومی بسیار مفید است ، مانند تنظیم وارزیابی نمودن مفکوره ها ، معلوم کردن استعداد ها ، حل مسایل جامع وغیره . اما اندازه وکنترول جواب ونمره دادن آن خیلی مشکل است .

ب : **امتحان جواب محدود** : سوالات این نوع امتحان درطول و ترتیب جواب شاگردان یک حد معین را تعیین مینماید . مثلاً : دوفایده و دو نقص امتحان جواب وسیع را بیان نمائید . این نوع محدودیت برای اندازه نمودن حقایق یک وسیله خوب میباشد . اما برای اندازه استعداد ها ، ترتیب و تنظیم مفکوره ها نامناسب است .

ج : **امتحان جواب کوتاه** : دراین نوع سوالات جوابات شاگردان محدودتر بوده ومجبور میگردند که برای هرسوال یک جواب معلوم را بگویند .

مثلاً : ازشاگردان خواسته میشود که برای سوال در یک جمله یا یک عبارت جواب تهیه نمایند .

این نوع امتحان دریاد داشتن حقایق واندازه گیر حافظه آن یک وسیله خوب میباشد . مثلاً (۱) از (۲۹) ولایت افغانستان سه ولایت آنرا نام بگیرید ؟ (۲) از سه کشور نام ببرید که با افغانستان سرحد مشترک داشته باشند ؟

امتحان تقریری : عبارت از آن امتحانی است که معلم ازشاگرد بطور شفاهی پرسان میکند و شاگرد بصورت شفاهی در وقت کم آنرا جواب میدهد این نوع امتحان یک سلسله صفات خوب و بد را دارا است .

صفت خوب آن اینست که : قدرت افاده شفاهی شاگرد ، اصول تلفظ و ادا نمودن کلمات طلاب معلوم میشود ونقص آن اینست : ۱- این نوع امتحان بسیار وقت را می گیرد و ازطرف دیگر سوالات آن به شکل متحد بوده

ازاین لحاظ مقایسه کار شاگردان مشکل است .

۲- دراین نوع امتحان شاگردان تحت تاثیر شخص امتحان گیرنده قرار گرفته و در وقت جواب دادن فکرشان تیت و پاشان میشود .

۳- امتحان گیرنده خسته میشود و تا آخر نمیتواند که از شاگردان یکسان امتحان بگیرد .

اصلاحات در امتحان تقریری :

اگرچه دراین اواخر اهمیت امتحان تقریری مقالوی کم شده است اما نمیتوانیم که به کلی انرا از بین ببریم ویا از نظر دور بسازیم . ازاین لحاظ ارزیابی بعضی مضامین مانند قرآن کریم ، تلفظ لغات وغیره که امتحان آن بدون تقریری امکان ندارد (ادا نمودن حروف و مخرج آن)

برای اینکه نواقص این نوع امتحان راکم نمائیم لازم است تا در تطبیق آن نکات ذیل را مراعات نمائیم .

۱- معلم باید با در نظر داشت اهداف تربیوی سوالات خویش را به گروپ ها تقسیم نماید و از شاگردان سوال هر گروپ پرسیده شود (سوالات باید بقسم قرعه کشی صورت گیرد)

۲- اگر هدف پیدا کردن اصول قرائت در یک مضمون باشد معلم باید یک صفحه را بالای تمام شاگردان بخواند و خودش غلطی شاگردان را تحریر کرده و نمره بدهد .

۳- در وقت اخذ امتحان معلم باید روش صمیمانه داشته باشد تا شاگردان تحت تأثیر قرار نگیرند .

٤- معلم باید در وقت دادن نمره از عدل و انصاف کار بگیرد که احکام دین مبین اسلام نیز همین طور میباشد .

موارد استعمال امتحان مقالوی :

باوجود بعضی محدودیت های که این امتحان دارد باز هم بحیث سیستم ارزیابی در بعضی جاها استعمال میشود .

۱- ازاین که سوالات امتحان مقالوی در وقت کم ساخته شده می تواند ، معلمین میتوانند که در امتحان هفته وار وامتحانات صنفی ازآن کار بگیرند .

۲- امتحانات مقالوی به وسایل تخنیکی ضرورت ندارد . آن مدارسی که ماشین دیتو ندارند ازاین امتحان کار میگیرند .

۳- تهیه سوالات امتحان مقالوی به تجارب زیاد ارتباط ندارد . آن معلمین که جدیداً مقرر می شوند ازآن کار گرفته می توانند .

٤- اگر هدف امتحان وارزیابی املا ، انشا ومعلوم کردن دستور زبان باشد پس امتحان مقالوی وسیله خوب رسیدن به این هدف است .

۵- اگر گروپ امتحان دهنده کوچک باشد وامتحان باردوم گرفته نشود امتحان مقالوی وسیله خوب ارزیابی شده میتواند .

اصول ساختن یک امتحان مقالوی خوب :

۱- در وقت ساختن امتحان باید از یک رهنما کار گرفته شود وآن اعمالیکه ارزیابی میشود باید بیرون نویس شود .

۲- در ساختن امتحان مقالوی ازاین اصطلاحات که (مقایسه نمائید ؟ توضیح کنید ؟ ارتباط دهید ؟ تجزیه وتحلیل کنید ؟ فرق شان رابگوئید ؟ تشریح کنید ؟ که چرا ؟ چطور ؟ دلایل خویش رابگوئید ؟) باید استفاده کرد وازین نوع کلمات خود داری شود مانند : کدام وقت ، کجا ، کدام چیز ، همرای کدام شخص وغیره میباشد . ازین سبب سوالات امتحانات مقالوی جهت نتایج متعلق آموزش بکار برده میشود

۳- اگر هدف از امتحان معلوم نمودن پیشرفت سویه تحصیلی شاگردان باشد پس باید ازین کلمات (چه فکر می کنید دراین حصه نظر شما چه است ؟ هرچه میدانید تحریر دارید ؟) جداً خود داری شود .

۴- در وقت ساختن امتحان باید متوجه باشیم که بین سوالات و وقت یک تناسب موجود باشد.

۵- برای شاگردان از جملهٔ سوالات مقالوی چانس انتخاب حل یک سوال داده نشود. درینصورت نمیتوانیم که شاگردان را با همدیگر مقایسه نمائیم.

ب: **امتحانات عینی وانتخابی:** دراین نوع امتحان جواب قبلاً تعیین شده میباشد، شاگردان یا حل کننده جواب صحیح را از چند جواب انتخاب مینماید دراین نوع امتحان جواب بطور مختصر داده میشود وشاگرد وقت زیاد را درخواندن وفکر کردن میگذراند، کیفیت این امتحان بمهارت ترتیب کننده ومعلم تعلق دارد. امتحان مذکور انواع زیاد دارد که هرکدام آن یک سلوک مخصوص آموزش را ارزیابی میکند، ازاین لحاظ اولاً باید خصوصیات آنرا بشناسیم:

اوصاف وخصوصیات امتحان عینی قرار ذیل است:

۱- درامتحان عینی هر سوال یک جواب میخواهد.

۲- ساختن سوالات امتحان عینی کار مشکل بوده ووقت زیاد بکار دارد.

۳- سوالات امتحان عینی را می توان بآسانی نمره داد.

۴- درامتحان عینی عدالت مراعات شده وقابل اعتماد است.

۵- امتحان عینی جهت ارزیابی معلومات مختلف مانند. اصطلاحات، تاریخچه وتمرینات استعمال میشود.

۶- امتحان عینی معمولاً حقایق سطحی وساده را اندازه گیری میکند.

۷- این نوع امتحان برای درجه بندی شاگردان نظریه معلومات بفهم وفعالیت هایشان مفید است.

۸- عمل قیاس کردن ویا حدس زدن را تشویق می کند.

۹- از اشارات اضافی مانند: تماماً، هرگز، معمولاً، همیشه، هیچ کدام ودیگر اجتناب میشود.

۱۰- حاشیه روی را محدود میسازد یعنی خارج شدن از اصل موضوع وارتباط گرفتن بموضوعات فرعی دگر.

۱۱ - از جملات منفی خودداری میشود .

۱۲ - جمله باید کوتاه ، واضح و روشن باشد .

اقسام امتحان عینی (آفاقی) :

امتحان آفاقی یا عینی چهار نوع است . هرکدام آنرا ذیلاً تحت مطالعه قرار میدهیم :

۱ - **امتحان صحیح و غلط** : معمولاً دراین نوع امتحان سوالات قسمی طرح میشود که از دو حالت (صحیح وغلط) خالی نباشد . به بلی ، نه ، یا (+) و (-) بیان میشود . امتحان صحیح وغلط وقتی استعمال می شود که مقصد وهدف معلوم کردن استعداد باشد .

اوصاف وفواید امتحان صحیح وغلط :

۱ - مواد این نوع امتحان را به آسانی پیدا کرده میتوانیم . مثلاً : میتوانیم از نام اشخاص ، نام جاها ، واقعات تاریخی واصطلاحات کار بگیریم .

۲ - ساختن سوالات آن وقت کم را دربر می گیرد .

۳ - در وقت حل کردن سوالات وقت شاگردان کمتر ضایع میشود .

٤ - ازمحتویات مضمون نمایندگی وسیعتری کرده می تواند .

۵ - به آسانی به آن نمره داده میشود .

نواقص سوالات صحیح وغلط :

۱ - به اساس اهداف تربیوی امتحان صحیح وغلط به مواد خاص مربوط است .

۲ مطالب یادرا درامتحان صحیح وغلط آورده نمی توانیم ازین لحاظ کارهای جزئی وبی اهمیت را بالای آن ارزیابی کرده می توانیم .

ج : برای کی تدریس و رهنمائی می کند (شناخت شاگرد) ؟

د - چطور رهنمائی و تدریس نماید (اصول تدریس) ؟

تعریف تدریس : - تمام فعالیتهای معلم که سبب انتقال دانش به شاگردان می گردد، تدریس گفته میشود. عناصر مهم تدریس قرار ذیل اند :

الف : معلم (مربی)

ب : شاگردان

ج : میتود تدریس (اصول تدریس)

د : مواد درسی

طبقه بندی و اقسام معلم

یادآوری این نکته ضروری است که بسیار کم امکان دارد یک معلم بصورت عموم در یک طبقه خاص بیاید بلکه امکان میرود از لحاظ خواص و عادات انسانی هر معلم یک یا چند خواص و عادات هر طبقه را دارا بوده بر علاوه آن هیچگاه قبول شده نمیتواند که یک معلم در طول سالهای زیاد یکنوع سلوک داشته باشد. زیرا که انسان تغییر و تکامل می یابد. تجارب علمی او را از حالت یکنواخت می کشد، پس ازین جهت هر نوع تغییری در آن رونما می گردد.

تا حال تقسیم ذیل معلمین را می شناسیم

۱- شاگرد نگر : - آن معلمینیکه شاگردان را مرکز فعالیت انتخاب می کنند رشد و انکشاف همه جانبه شاگردان نزد آنها اهمیت دارد، این نوع معلمین بدو قسم اند :

الف - شاگرد نگر فردی : این نوع معلمین شاگردان را بمنزله اولاد خود پنداشته به استعداد، ظرفیت و روحیه شان آشنا بوده واز استعداد شاگردان توقع زیاد و بیهوده نمی کنند. در ردیف اینگونه

۳- امتحان صحیح و غلط غالباً مبهم و گنگ میباشد و یک شخص به بسیار مشکل به مفهوم آن رسیده می تواند.

٤- حدس زدن در این امتحان رول دارد.

۵- فعالیت های ذهنی محدود میباشد و قدرت تفکر و قضاوت را بکار نمیگذارد.

در وقت تهیه امتحان صحیح و غلط معلم باید نکات ذیل را در نظر داشته باشد:

۱- سوالات باید از دو حالت (صحیح و غلط) خالی نباشد.

۲- تعداد سوالات صحیح و غلط باید باهم مساوی باشد.

۳- سوالاتیکه به قسم نیمه صحیح و نیمه غلط باشد تهیه نشود.

٤- جملات مجهول و بسیار معنی دار باید استعمال نشود.

۵- عبارات و جملات که منفی باشد استعمال نشود.

٦- عبارت کتاب های درسی و جملات که شاگردان مفهوم آنرا به آسانی بدانند از نوشتن آن جلوگیری شود.

مثال: هدایت: سوالات ذیل را بدقت خوانده سوال که صحیح باشد پیش روی ش حرف (ص) و سوالیکه غلط باشد پیش روی آن حرف (غ) تحریر شود.

(غ) خط استوا زمین را به دو حصه تقسیم می کند.

(ص) وطن عزیز ما افغانستان در براعظم آسیا واقع است.

۲- **امتحان مقایسوی یا مقابلوی**: در این نوع امتحان سوالات در دو ستون طوری تهیه میشود که یک ستون آن سوالات و ستون دیگر آن جوابات است.

مثال: هدایت: در ذیل دو ستون را مشاهده نمایید برای هر سوال در ستون دوم جواب تحریر شده است از جواب مربوط حرف آنرا پهلوی سوال بنویسید.

ستون سوالات	ستون جوابات
(هـ) ۱- خدا (ج)	الف - دین ما است
(ج) ۲- حضرت محمد (ص)	ب - قرآن کریم
(الف) ۳- اسلام	ج - رسول خداوند (ج) است
(د) ٤- افغانستان	هـ - یکی است و شریک ندارد
	د - وطن ما است

دراین نوع امتحان تعداد ستون جوابات باید از تعداد ستون سوالات زیاد باشد.

۳- امتحان انتخابی یا چندجوابه: امتحان چندجوابه دو حصه دارد که یک حصهٔ آن را ساقه و حصهٔ دیگر آن را جوابات گویند. امتحان چندجوابه یک جواب صحیح و چند جواب غلط را دارا بوده که بنام منحرف کننده یاد میشود. وظیفه منحرف کننده این است: آن عده شاگردان که جواب صحیح سوال نمیدانند منحرف می شوند تعداد جواب های یک سوال امکان دارد که (٤ تا ۵) باشد. اگر تعداد جواب ها زیاد باشد دیگر غلطی های آن زود معلوم میشود به این اساس برای هر سوال ۲ یا ۴ جواب تعیین میشود. امتحان چندجوابه اقسام مختلف دارد که یک تعداد آن قرار ذیل اند:

۱- بهترین جوابه: دراین صورت امکان دارد تمام جوابات صحیح باشد مگر یکی آن بهتر میباشد که شاگرد آنرا انتخاب کند.

مثال: هدایت: برای سوال ذیل چهار جواب داده شده است. بدور جواب بهتر آن دایره بکشید

۱- کدام یک از مواد ذیل برای رشد وجود انسان بسیار ضروری میباشد.

الف: پروتین، ب: ویتامین، ج: شحمیات، د: کاربوهایدریت ها.

۲- نوع منفی آن - هدایت: در چهار جواب ذیل یکی آن غلط است. جواب غلط را تعیین نمائید.

دریا های مشهور افغانستان عبارت اند از :

الف : هلمند ، ب : آمو ، ج : بلخ ، د : هریرود

۳- قسم با نوع نامکمل - هدایت : برای هر سوال چهار جواب داده شده است جواب صحیح آنرا تعیین نمائید

مثال : $\frac{۱}{۱۲} + \frac{۲}{٤} = ؟$ الف : $\frac{۱۱}{۱۲}$ ، ب : $\frac{۸}{۱۲}$ ، ج : $\frac{۱}{۱۲}$ ، د : $\frac{۷}{۱۲}$

نواقص امتحان چند جوابه :

۱- ممکن از یک یا دو جواب یاد صحیح باشد .

۲- جوابات سوالات شاگردان را رهنمائی می کند

قوانین ساختن سوالات چند جوابه :

۱- هر سوال باید قسمی تهیه شود که نتیجه آموزش را اندازه کند .

۲- درساقه سوال باید سوال واضح باشد .

۳- تا حد امکان مشکلات امتحان در ساقه سوال جای داده شود .

٤- ساقه سوال باید تا حد امکان مثبت باشد .

۵- ساقه سوال باید بزبان ساده تحریر گردد .

٦- از استعمال لغات باید جلوگیری شود .

۷- منحرف کننده باید برای شاگردان بسیار جذاب و دلچسب باشد .

٤- **امتحان خانه خالی** : در این امتحان از امتحان دهنده تقاضا میشود که جا های خالی را پر نمائید . نه اینکه جواب را انتخاب کنید در این خانه خالی امکان دارد که در اول سوال ، وسط ، و آخر سوال واقع شود .

مثال : هدایت : جا های خالی را با کلمات مناسب پر نمائید .

۱- کامل ترین تمام ادیان .... است .

۲- ....همسایه غربی افغانستان میباشد .

۳- وطن ما در زمان .... به افغانستان مسمی گردید .

جا های خالی فوق را با کلمات مناسب که جمله کامل از آن تکمیل یا ترتیب شود عبارت است از :

(اسلام ، ایران ، احمد شاه بابا)

پیش از آنکه امتحان را ترتیب نمائیم چند نکته را باید فکر کنیم .

هر آموزگار قبل از ترتیب کردن امتحان باید سوالات ذیل را با خود مطرح نماید . و آنگاه در روشنی پاسخ دادن به آنها سوالات امتحان را ترتیب نمائید .

I- هدف : امتحان کدام مضمون را اخذ مینمایم ؟ چرا امتحان میگیریم ؟ چه قسم نمره میدهیم ؟ از کدام حصه کتاب و از کدام موضوعات امتحان میگیریم ؟ بعد از ان که هدف امتحان معلوم گردید موضوع هم انتخاب شود .

II- موضوع : از کدام مضمون امتحان اخذ نمایم ؟ بطور مثال : امتحان $\frac{1}{2}$ ٤ ماهه ، مضمون پشتو که در آن الفبا (شکل ، صدا ، نام ، نوشتن) نیمه حروف ، ترکیب و لغات در حالیکه از کتاب پانزده (۱۵) درس هم خوانده شده است .

الف : برای الفبا یک ماه و برای نیمه حروف و ترکیب حروف دو هفته و برای لغات دو هفته و پانزده درس از کتاب در دو ماه خوانده شده است .

ب : بعداً فیصدی را می گیریم که در چه قدر مدت چه اندازه موضوع را خوانده ایم بر اساس فیصدی آنها ، فیصدی سوالات را تعیین میکنیم که ٪ ۵۰ سوالات از ۱۵ درس ، ٪ $\frac{1}{2}$ ۱۲ سوالات از نیمه حروف و از ترکیب حروف ٪ $\frac{1}{2}$ ۱۲ سوالات از لغات ، ٪ ۲۵ سوالات از الفبا باید ترتیب شود .

۱ - کی را ارزیابی کنیم ؟

۲ - کدام چیز را ارزیابی کنیم ؟

۳ - چه قسم (علم، کار و فعالیت) را ارزیابی کنیم ؟

٤ - سوالات را که ترتیب داده ایم مطابق به هدف شما میباشد یا خیر ؟

۵ - از هر شاگرد در عین موضوعات امتحان میگیرد (باید امتحان ثابت و مساوی باشد)

٦ - امتحانی را که ترتیب کرده ایم آیا از درس خوانده شده طبق پروگرام مساوی و برابر است ؟

۷ - آیا این امتحان تنها از نوع سوالات مشکل تهیه شده است یا از نوع سوالات آسان یا از هر دو نوع ؟

۸ - آیا شاگردان وقت کافی دارند که سوالات امتحان را حل کنند ؟

۹ - آیا مواد کافی داریم که امتحان را ترتیب نمائیم ؟

۱۰ - در این نوع امتحان چه نوع مشکلات داریم (مواد ، صنف ، جای مناسب) ؟

۱۱ - آیا معلم قبلاً درس داده که این نوع امتحان را می گیرد ؟

۱۲ - آیا شاگردان از امتحان واقف هستند (اگاهی دارند) ؟

۱۳ - آیا شاگردان به این میدانند که معلم چه قسم امتحان میگیرد ؟ (قبلاً به نوعیت سوالات آشنائی دارند)

١٤ - نمراتی را که شاگردان میگیرند در زندگی آینده شان کدام تاثیر دارند یا خیر ؟

ارزیابی

تعریف : ارزیابی یک نوع مقایسه است بین نتایج پلان مطروحه و تخمین شده و نتایجی که در واقعیت امر از عملیه تدریس و آموزش بدست می آید . یا آن عملیه است که توسط آن روشهای تربیتی ، درجه دانش و یا موقعیت شاگرد قضاوت میشود و این کار سبب پیشرفت و ازدیاد معلومات میگردد .

ارزیابی تربیوی دو هدف عمده دارد .

۱- ارزیابی تربیوی با معلمین کمک مینماید تا معلم بداند که اهداف تعلیمی تا کدام حد بدست آمده است .

۲- ارزیابی تربیوی با معلمین کمک مینماید تا شاگردان را بشناسند .

هدف اول هدف اصلی و اساسی ارزیابی بوده که در آن تغییر در سلوک شاگردان را معیار دانسته و آنرا ارزیابی میکند ، واقعاً اگر یک معلم در حصه شاگردان معلومات جامع و مکمل داشته باشد به آسانی می تواند معلوم کند که اهداف تعلیمی تا کدام اندازه حاصل شده است .

مشخصات ارزیابی :

۱- ارزیابی ترقی و تحول کار و یا فعالیت شاگردان را تعیین مینماید .

۲- ارزیابی جزء آموزش میباشد .

۳- ارزیابی در طول سال تعلیمی بدون از آگاهی قبلی و معلوم کردن وقت گرفته می شود .

٤- ارزیابی عمل رسمی نبوده و یک عمل غیر رسمی است .

۵- شاگردان برای ارزیابی کدام آمادگی قبلی نمی گیرند و نه کدام ترس ناکامی موجود می باشد .

٦- از طریق ارزیابی معلم از هرگونه خصوصیات شاگردان آگاه میشود .

۷- توسط ارزیابی معلم شاگردان خویش را به گروپ های مختلف تقسیم کرده می تواند .

۸- معلم توسط ارزیابی شاگردان را طبق شوق و علاقه ، دلچسپی و استعداد ایشان زمینه کار را برای آنها آماده کرده می تواند .

۹- بر اساس نتایج ارزیابی مطابق رشد جسمی و انکشاف ذهنی شاگردان پروگرام تربیتی وضع شده میتواند

۱۰- از اینکه ارزیابی در طول سال تعلیمی بطور دوامدار صورت می گیرد از این لحاظ تست ها جزء کوچک

ارزیابی تربیوی دو هدف عمده دارد .

۱- ارزیابی تربیوی با معلمین کمک مینماید تا معلم بداند که اهداف تعلیمی تا کدام حد بدست آمده است .

۲- ارزیابی تربیوی با معلمین کمک مینماید تا شاگردان را بشناسند .

هدف اول هدف اصلی واساسی ارزیابی بوده که در آن تغییر در سلوک شاگردان را معیار دانسته وآنرا ارزیابی میکند ، واقعاً اگر یک معلم در حصه شاگردان معلومات جامع ومکمل داشته باشد به آسانی می تواند معلوم کند که اهداف تعلیمی تا کدام اندازه حاصل شده است .

مشخصات ارزیابی :

۱- ارزیابی ترقی وتحول کار ویا فعالیت شاگردان را تعیین مینماید .

۲- ارزیابی جزء آموزش میباشد .

۳- ارزیابی در طول سال تعلیمی بدون از آگاهی قبلی ومعلوم کردن وقت گرفته می شود .

٤- ارزیابی عمل رسمی نبوده ویک عمل غیر رسمی است .

۵- شاگردان برای ارزیابی کدام آمادگی قبلی نمی گیرند ونه کدام ترس ناکامی موجود می باشد .

٦- از طریق ارزیابی معلم از هرگونه خصوصیات شاگردان آگاه میشود .

۷- توسط ارزیابی معلم شاگردان خویش را به گروپ های مختلف تقسیم کرده می تواند .

۸- معلم توسط ارزیابی شاگردان را طبق شوق وعلاقه ، دلچسپی واستعداد ایشان زمینه کار را برای آنها آماده کرده می تواند .

۹- بر اساس نتایج ارزیابی مطابق رشد جسمی وانکشاف ذهنی شاگردان پروگرام تربیتی وضع شده میتواند

۱۰- از اینکه ارزیابی در طول سال تعلیمی بطور دوامدار صورت می گیرد از این لحاظ تیست ها جز کوچک

پروگرام را تشکیل میدهد .

فرق بین امتحان و ارزیابی

	امتحان (ارزیابی نتیجوی)		ارزیابی (ارزیابی سازنده)
۱-	امتحان یک عمل رسمی است	۱-	ارزیابی عمل غیر رسمی است .
۲-	امتحان یکی روشهای تربیتی است که در سال دو یا سه بار تحت مراقبت هیأت انجام می یابد	۲-	ارزیابی یکی از اجزای روش های تربیتی است که بدون آگاهی قبلی هر وقت امکان دارد .
۳-	امتحان یک غیر متداوم است .	۳-	ارزیابی یک عمل متداوم است
٤-	در امتحان ترس موجود است .	٤-	در ارزیابی ترس نمیباشد .
۵-	امتحان نمبر و درجه بندی را دارا است .	۵-	ارزیابی درجه بندی دارد اما نمبر ندارد .
٦-	امتحان کامیابی و ناکامی دارد	٦-	ارزیابی کامیابی و ناکامی ندارد .
۷-	امتحان یک وسیلهٔ اندازه گیری است که راپور اش از نگاه کمیت و کیفیت تحول مینماید .	۷-	ارزیابی وسیله است که راپور آن از روی کمیت و کیفیت تقدیم میگردد .
۸-	امتحان تنها موقف شخص را تعیین مینماید .	۸-	ارزیابی مفهوم جامع داشته که موقف یک گروپ را تعیین مینماید .
۹-	نتایج امتحان با معیار های گذشته مقایسه نمیشود	۹-	در ارزیابی نتایج بقسم توصیفی بیان شده و بمعیار سابقه مقایسه می گردد .
۱۰-	امتحان مفهوم خاص دارد .	۱۰-	مفهوم ارزیابی وسیع و جامع است .

B
6.407
MAN
4400

Afghanistan Education Committee

Associated With The Swedish Committee



Teachers Training Seminar

Year 1991

مؤخذ :

۱- قرآن عظیم الشان و احادیث نبوی .

۲- آی ، آر ، سی سینگو سمینار .

۳- الوکالة الاسلامیة (کورس تدریب المعلمین) .

۴- جرمن افغانستان فوندیشن (کورس تعلیمات عالی نظارت) .

۵- رهنمای مدرس اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان .

۶- مواد تعلیمی کمیتهٔ تعلیم و تربیهٔ افغانستان .

۷- مربی کیست چاپ ایران .

معلمین، شاگردان کم استعداد کنار گذاشته شده و در آموزش رشد نمی یابند.

ب - شاگرد نگر جمعی: این دسته معلمین که شاگردان را بقسم مجموعی محور اساسی قبول می کنند و به هر فرد طور جداگانه توجه نمی نمایند. بلکه برای پیشرفت تمام شاگردان صنف بطور کلی اهمیت قایل میشوند با همه شاگردان بیکنوع سلوک و پیش آمد میکنند در صنف و هیچ شاگردی گوشه گیر نمی شود لیکن جهت توسعه و رشد استعداد های خصوصی زمینه کمتر مساعد میگردد.

۲ - درس نگر:- این نوع معلمین بدرس زیاد اهمیت میدهند و شاگردان نزد شان آنقدر مقام و ارزش ندارند بعضی مسایل تربوی آنقدر توجه نمیباشند. بسیار جدی معلوم میشوند و کوشش و تلاش می کنند تا به شاگردان خود درس را انتقال دهند، این گونه معلمان هم بدو بخش کوچک تقسیم شده میتوانند.

الف: از لحاظ علمی (درس نگر): ساحه معلومات این چنین معلمان خیلی وسیع میباشد و شاگردان را خوبتر جذب کرده میتوانند و میخواهند که شاگردان خود را بهمین راه سوق دهند لیکن برای تربیه پرورش فضایل اخلاقی چندان توجه نمیداشته باشند. که این کار بالای شاگردان تأثیرات سوء نامطلوبی دارد. با وصف اینکه در تدریس خود از مواد و وسایل مناسب کمکی و طریقه های دلچسپ کار می گیرند.

ب: از لحاظ فلسفی (درس نگر): این معلمان هم بدرس زیاد توجه دارند و جوانب فلسفی و سائر مسایل اجتماعی زندگی شاگردان را تحقیق مینمایند و به تربیه رشد اخلاقی شاگردان توجه ندارند. مسایل فکری را مطرح، و به مسایل فلسفی شاگردان را تشویق می کنند و شاگردان را چون مقناطیس بخود جلب می کنند و شاگردان تلاش و کوشش می کنند که سلوک و روش خود را مثل همین معلمان عیار و شخصیت خود را به آن آراسته نمایند.

نوع دیگر تقسیم بندی معلمان

در طبقه بندی قبلی معلم را به ارتباط شاگرد و درس تحقیق نمودیم حالا آنها را در ارتباط با سلوک شان مورد بررسی قرار میدهیم، یعنی اینکه معلم امکان دارد که یکی از چار خواص ذکر شده را دارا باشد و در عین حال در تقسیمات ذیل هم بیاید:



د افغانستان د تعلیم و تربیې اداره



سمینار تربوی مُعلمان

سال ۱۳۷۰ هـ ش

بسم الله الرحمن الرحیم

ترتیب کننده گان :

امیر محمد (منصوری)، محمد سعید، عبدالرحمن (هارون)، رحمت الله، باز محمد (صادق)،
غلام فاروق (قامع)، غلام جان (زرغونی)، سورگل (عمرزی)، محب الله (مهجور) و
سراج الدین (جلالی) .

مترجمین و هیئت تطبیق

میرقیام الدین (ضیاء)، عبدالمبین (حکیمی)، کریم الله (غفوری) محمد آجان (خیالی)،
محمد امین (امین)، عبدالکریم (کریمی)، سلطان محمد (منتظر)، مؤمن شاه (حنیف) عبدالاحد و عبدالهادی
(سهار)

مهتمم :

استاد روزه گل (وحدتی)

مشاورین - استاد باطن شاه (صافی) و میرسیف الدین (ضیائی)

خطاط :- عبدالقدوس (واثق)

سال طبع :- دفعه اول ۱۳۶۹ هـ،ش (۱۵۰۰) جلد

دفعه دوم ۱۳۷۰ هـ،ش (۱۶۰۰) جلد

سمینار تربیتی معلمان

فهرست مطالب

شماره	عنوان	صفحه
٤ –	فصل چهارم : اصول تدریس	٤١
	میتودهای (طرق) مشهور تدریس	٤٥
	میتود سوال و جواب	٤٦
	میتود مذاکره و مناقشه	٤٦
	میتود حل پرابلم و مشکل	٤٧
	میتود بحث و تحقیق	٤٧
	میتود مشورهٔ فکری	٤٨
	میتود آزمایشی	٤٨
	میتود رول پلی	٤٨
	میتود مسابقه	٤٩
	میتود بازی (ساعت تیری)	٥٠
	میتود گروپی	٥٠
	میتود سیر علمی	٥١
	میتود پروژه	٥٢
	میتود فعال یا آزاد	٥٣
	میتود تجربوی و لابراتواری	٥٤
	میتود مشاهده	٥٥
	میتود نمایشی	٥٥